



سربازی اجباری

شماره سیزدهم، شهریور ۱۴۰۰

نشریه واحد دانشگاه انجمن اسلامی
دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف



دلنوشته یک سرباز

ناشناس

سرباز مملکت

خدمتم تازه تمام شده است و بر خودم واجب می‌دانم تجربه‌ای را که به من تحمیل شد را برای همه بازگو کنم. چون به نظرم خدمت، وظیفه عمومی به شکل فعلی، بر خلاف آرمان‌هایی است که در قانون برایش ترسیم شده. در واقع در تضاد با منافع و اولویت‌های تمام مردم ایران است.

تقدس رانم بینم!

اسماشهنازی

ورودی ۹۸ نفت



#از سربازی بگو را دنبال می‌کردم، آنچه که شنیده بودم با آنچه که می‌خواندم تناقض بسیار داشتند و آنچه که در مقابل چشمانم بود در مخیله‌ام نمی‌گنجید. نیازی به تامل و تفکر نبود و کلمات به شیوایی تمام دستان مرا به دردی ملموس می‌رساندند؛ درد پسرانی که برای "مرد شدن" بهایی گزاف پرداخته‌اند، دردی که سال‌هاست در میان کلیشه‌های جنسیتی پنهان شده است. در میان جملات ساده و از درد برآمده پسران ایران، از غرورهایی خواندم که خرد شده بود، از قطرات اشکی که در تاریکی شب ریخته شده بود، از روزها، ماه‌ها و سال‌هایی که بیهوده تلف شده بود و از فرصت‌هایی که از دست رفته بود..

آنچه که در بطن تمام جملات نمایان و بدون نیاز به کاوش قابل لمس بود؛ تنفر آدمی از اجبار و سلب اختیار بود! اجبار واژه‌ای است که به تعریف و تفهیم نیاز ندارد و یقیناً همه ما با پوست و گوشت و استخوان طعم تلخ اجبار را چشیده‌ایم. اما اگر به دنبال دلیلی برای این تنفر ذاتی باشیم باید با دقت بیشتری به واژه اجبار بیندیشیم؛ دهخدا اجبار را مقابل اختیار می‌داند و انسان نیز موجودی مختار است پس به این دلیل است که تاکنون واژه منحوس اجبار کنار هر واژه دیگری که ظاهر شده، خون قشر بزرگی از جامعه را به جوش آورده و زخم‌ها و دردهایی را بر جای گذاشته است.

مسائل و دغدغه‌های بسیاری همچون سربازی اجباری، ازدواج اجباری و ... وجود دارند که می‌توان در نقد و نكوهش هر کدام کتاب‌ها نوشت! اما ما این بار از سربازی اجباری نوشتیم تا برای آنان که با واقعیت‌ها آشنا نیستند قطره‌ای از این درد کهنه را نمایان کنیم و همچنین در راستای حذف یکی از بزرگ‌ترین کلیشه‌های جنسیتی، "مرد شدن"، قدمی هر چند کوچک برداریم.



تقریباً از وقتی فهمیدم که پسر هستم، به من گفتند که باید به سرباز بروی. اطرافیانم می‌رفتند و ما هم از دور چیزهایی می‌دیدیم و می‌شنیدیم. در مورد موضوع سربازی حرف‌های کلیشه‌ای زیادی بوده و هست. مانند «سربازی نری بهت زن نمی‌دن»، «سربازی نری مرد نمی‌شی» یا اینکه «سربازی نری جایی استخدام نمی‌شی»؛ واپس گرایانه، تحکم مآبانه و البته مبهم و بی‌معنی.

ندارد. فقط باید بگذرد. برای همین است که پشت در دستشویی‌های پادگان می‌نویسند «عجله نکن این هم جزو خدمتته». همین باعث اهمیت زمان می‌شود. مرخصی می‌گیرید. چک و چونه می‌زنید تا مدت‌ش بیشتر شود. به سختی نگهبانی می‌دهید تا در پاس راحت بیافتید که بیشتر بخواهید. وقت نگهبانی، ثانیه‌ها قاتل روحتان می‌شوند. آنجاست که می‌فهمید ۲ ساعت چقدر طولانی است. حتی جریمه سرباز هم با اضافه خدمت است. به همین خاطر، زمان قدرتمندترین الهه سربازی است. در خدمت شخصیت شما را نابود می‌کنند. هویت‌تان را می‌گیرند. دیگه نه اسم دارید، نه گذشته و نه آینده‌ای. از آنجایی که کادری‌ها به رفتن و آمدن همیشگی سربازها عادت کردن، برایشان صرفاً یک نیروی رایگان در دسترسید که افکار، احساسات و نیازهایش مهم نیست. شما مجاله می‌شوید، جمع می‌شوید و تمام وجودتان در لحظه قرار می‌گیرد. لحظه‌ای که دست آن‌ها است تا ببینند چه نیازی دارند تا شما برطرف کنید. شما دیگر «مهندس» اید، کسی که صدایش نمی‌کنند مگر برای اینکه کاری او بدهند. کسی که در این محیط آلوده یاد می‌گیرد که باید دروغ بگوید و گاهی هم باید سکوت کند و خودش را بخورد تا آسیب نبیند. شما در آن لباس، دیگر خودتان نیستید و از دنیای بیرون جدا شده‌اید. اینجا دنیای دیگری است. برای همین است که وقتی بیرون می‌آیید بی‌حس هستید، از خود قبلی‌تان دورید و به هیچ چیز اهمیت نمی‌دهید.

قبل اینکه به خدمت بروم، اگر کسی معاف می‌شد ناراحت می‌شدم. الان اگر کسی معاف شود و نرود برایش خوشحال می‌شوم. به نظر من، قانون خدمت سربازی یا باید برداشته و یا به شدت اصلاح شود. کیش دادن این همه جوان به دانشگاه برای فرار از خدمت، از دور خارج کردن آن‌ها، مستهلک و زخمی کردنشان، ناامید، تحقیر و یا کمتر کردنشان... برای جامعه هیچ فایده‌ای ندارد. حرف زیاد است! خدمت سربازی آن قدر معضل و حاشیه و موضوع دارد که می‌شود چندین پایان نامه دکتری علوم انسانی از آن درآورد.

موضوع سربازی، حدوداً از ۱۴، ۱۵ سالگی رنگ و بویی جدی به خود می‌گیرد. آن موقع است که بهتر متوجه می‌شویم، ضرب‌المثل «آش کشک خالته» به وضوح در خدمت سربازی دیده می‌شود و فقط می‌توان مواجهه با آن را عقب انداخت.

سربازی حتی در بهترین حالت هم چیزی جز اتلاف وقت مطلق نیست. شما حتی اگر کل خدمت را هم در خانه بگذرانید باز هم از زندگی عقب می‌افتید. ۲۱ ماه (در عمل بیشتر) نمی‌توانید کار کنید، نمی‌توانید برنامه‌ریزی کنید، نمی‌توانید به فعالیت‌های سابق‌تان برسید، نمی‌توانید راحت سفر بروید و...

تمام حرف‌هایی که بزرگ‌ترها درمورد سربازی می‌زنند، خصوصاً کسانی که مدت زیادی از خدمت‌شان گذشته، کاملاً به دور از واقعیت است. کسی جز سربازها نمی‌دانند که در خدمت واقعا چه می‌گذرد؛ حال که قلم به دست شده‌ام، بگذارید من برایتان بگویم: بیهودگی، اتلاف وقت، تحقیر، فشار روحی، تحلیل رفتن ذهن، تضعیف جسم و سلامت، کارهای عبث، بیگاری، زیر سوال رفتن شخصیت، آرمان‌ها و ارزش‌ها.

خدمت، نسبت به زمان و زحمتی که برای آن می‌کشی، افزوده مثبت بسیار ناچیزی دارد. اما تا دلتان بخواهد تأثیر منفی روی زندگی فرد می‌گذارد. انگیزه‌تان را از دست می‌دهید، از زندگی عقب می‌افتید، روحیه‌تان خشن می‌شود، بد دهن می‌شوید و خلق و خوی بد پیدا می‌کنید.

از سرباز هم کاری جز اطاعت بر نمی‌آید. شما فقط باید در سکوت، حرف گوش کنید در غیر این صورت جریمه می‌شوید. جریمه با پول؟ نه! ارز رایج سربازی زمان است! در سربازی همه چیز با زمان سنجیده می‌شود. زمان، مهم‌ترین مفهوم در سربازی است. میزان کارایی، انرژی صرف شده، هوش و مهارت مهم نیست. فقط زمان. از روزی که خدمت شروع می‌شود، شما ۲۱ ماه در اختیار نیروهای مسلح‌اید. برای هر کاری که بخواهند. یعنی چه این زمان را کلاً در مرخصی باشید چه هر روز بیل بزنید فرقی

خدمت وظیفه عمومی به دوره‌ای چند ماهه یا چند ساله گفته می‌شود که طی آن فرد در برخی از ارگان‌ها که معمولاً نظامی هستند مشغول به خدمت می‌شود و بعد از آن تاریخ بسته به قوانین هر کشور ممکن است در لیست ذخیره قرار گیرد. در حال حاضر خدمت وظیفه عمومی از نظر مدت زمان و نوع آموزش در کشورهای جهان متفاوت است. در برخی کشورها خدمت وظیفه اجباری در برخی انتخابی و یا در برخی دیگر داوطلبانه‌ست و مدت زمان آن از چند ماه تا دو سال است. در مواردی مشمولان به جای خدمت در ارگان‌های نظامی در امور مدنی مشغول به گذراندن خدمت هستند.



محمد عسگری

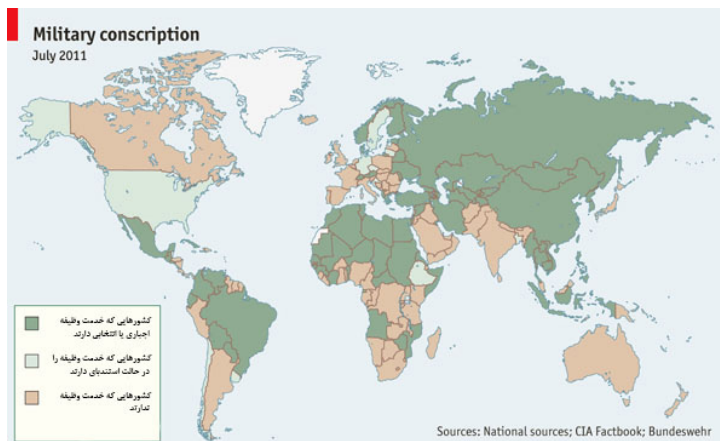
ورودی ۹۵ هجری

خدمت سربازی

نگاهی تاریخیچه‌وار به سربازی در جهان

نیازمند نیرو برای ارتش اتحادیه (شمالی‌ها) بود قانون خدمت وظیفه عمومی را تصویب کرد. به موجب این قانون تمام مردان ۲۰ تا ۴۵ سال می‌بایست خدمت وظیفه عمومی می‌گذراندند. اما اجبار برای فقرا بیشتر معنا پیدا می‌کرد چون بر اساس این قانون ثروتمندان می‌توانستند شخصی را جایگزین خود برای خدمت معرفی کنند و یا با پرداخت هزینه‌ای سنگین خود را از گذراندن خدمت معاف کنند. این قانون باعث برپایی شورش‌هایی شد که خشونت‌آمیزترین آن شورش نیویورکی‌ها در همان سال بود.

معافیت‌هایی که قانون برای ثروتمندان قائل می‌شد به علاوه معافیت آفریقایی-آمریکایی‌ها (به دلیل اینکه شهروند محسوب نمی‌شدند) و همچنین روزنامه‌هایی که ضد جنگ فعالیت می‌کردند همگی آتش خشم کارگران سفید پوست (خصوصاً مهاجران ایرلندی) را شعله‌ورتر می‌کرد تا اینکه در روز ۱۳



جولای سال ۱۸۶۳ شورش‌هایی علیه این قانون در شهرهای مختلف ایالات شمالی رخ داد که خشونت‌آمیزترین آن شورش نیویورکی‌ها بود که موجب کشته و زخمی شدن چند صد نفر شد.

در سال ۱۹۱۷ در دوره ریاست جمهوری ویلسون برای آمادگی درگیری در جنگ جهانی اول قانون خدمت وظیفه انتخابی به اجرا درآمد که بر اساس آن تمام مردان ۲۱ تا ۳۰ ساله (چه سفید پوست چه سیاه پوست) می‌بایست برای قانون جدید ثبت نام می‌کردند و در نهایت از میان ثبت نام کنندگان نفراتی انتخاب می‌شدند.

در طول جنگ جهانی دوم، جنگ کره و جنگ ویتنام نیز خدمت

خدمت سربازی یا خدمت وظیفه عمومی یا هر چه که با این مفهوم در طول تاریخ نام داشته به هزاران سال پیش برمی‌گردد اما شکل مدرن و جامع آن اولین بار در زمان انقلاب فرانسه به کار گرفته شده بود. در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۷۹۸ قانونی به اسم جردن (برگرفته از نام مارشال جان باتیست جردن) در فرانسه تصویب شد که به موجب آن تمام مردان مجرد بدون فرزندی که ۲۰ تا ۲۵ سال سن داشتند (به استثنا روحانیون، کارگران صنعتی که شغل‌شان بر جنگ اثر داشت، دانشجویان گراندد اکول‌ها و مسئولین ادارات عمومی) باید خدمت عمومی می‌گذراندند. این قانون برای فقرا و دهقانان تبعیض‌آمیز بود زیرا قانون به ثروتمندان اجازه می‌داد فردی را جایگزین خود کنند تا خدمت‌شان را انجام دهد. هدف اولیه این قانون دفاع از انقلاب در مقابل حمله سایر پادشاهی‌های اروپا و بعدها گسترش ایده‌های رادیکال انقلاب به سرتاسر اروپا بود. در بندی از قانون جردن آمده که هر مرد فرانسوی یک سرباز است و باید از کشورش دفاع کند. سرود ملی فرانسه (ل‌مرسین) که در سال ۱۷۹۲ نوشته شده نشانه‌ای زنده از این تفکرات است. برای مثال در بندی از این سرود داریم:

«مردان فرانسوی، چو جنگجویان فداکار،

آماجِ یورشِ شما را تاب می‌آورند و نگه می‌دارند»

یا

«سلاح بگیرید! شهروندان!

گردان‌های رزم را تشکیل دهید!»

که گواه تفکرات انقلابیون آن زمان فرانسه بوده.

خدمت وظیفه عمومی تا سال‌ها و در طول جنگ‌های مختلف در فرانسه به کار گرفته می‌شد و ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۹۶ به حالت تعلیق درآمد و در نهایت در سال ۲۰۰۱ در زمان ریاست جمهوری ژاک شیراک قانون خدمت وظیفه عمومی به طور رسمی ملغی گردید.

در ایالات متحده قانون خدمت وظیفه عمومی برای اولین بار در زمان جنگ داخلی به کار گرفته شد. در سال ۱۸۶۳ زمانی که جنگ وارد فصل سوم خود شده بود کنگره که



دولنوستهیک سرباز

ناشناس
سرباز مملکت

از سربازی_بگو

همیشه چهارشنبه عصر و پنجشنبه ظهر جلوی تنها عابر بانک کهنه و فرسوده پادگان صف درست می‌شد. اوایلش نمی‌دونستم این صف برای چیه ولی خیلی زود فهمیدم، می‌خواهند ببینند پولشان می‌رسد به خانه و خانواده سر بزنند یا نه!

عده‌ای هم گرد می‌نشستند بغل عابر بانک و ورد زبانشان «نریختند؟! هنوز نریختند؟» بود.

خیلی‌ها را می‌دیدم که با چشم پر از اشک، از مقابل عابر بانک با بغض کنار می‌روند.

ماهایی که به واسطه‌ی داشتن پس‌انداز یا حمایت خانواده و ضمانت موجه‌تر از بقیه بود سعی می‌کردیم هر هفته هزینه‌ی رفت و برگشت سرباز دیگه‌ای را هم حساب کنیم.

یکی مادرش سرطان داشت؛ یکی تازه داماد بود و شب‌ها از دلتنگی زیر پتو گریه می‌کرد. یکی سرپرست سه‌خواهرش بود. این‌ها باید می‌رفتند خانه. همه‌ی بدبختی‌های خدمت یک طرف، این فقری که به آدم تحمیل می‌شود یک طرف دیگر؛ خدمت عین فقره!

سربازهای بسیاری را دیدم که گرسنه باشند و حتی پولی نداشتند که خوراکی‌ای بخرند. سربازهایی که از فرط نداری اگر پوتین‌شان خراب می‌شد دیگر نمی‌توانستند پوتین دیگری بخرند. من سربازهایی را دیدم که گریه می‌کنند و تحقیر می‌شوند.

در اوج جوانی شغلت را ازت می‌گیرند، از خانه دورت می‌کنند و بعد با چندرغاز حقوق وظیفه که کفاف هیچ‌چیزی را نمی‌دهد باید سر کنی و این امر کاملاً اجباری است.

وظیفه عمومی در آمریکا وجود داشت. امروزه قانون خدمت وظیفه انتخابی در حالت استندبای وجود دارد و اگر کنگره تشخیص دهد از آن استفاده می‌شود.

در رژیم صهیونیستی قانون خدمت وظیفه عمومی پس از تأسیس این رژیم در سال ۱۹۴۹ به اجرا درآمد. برخلاف اکثر کشورها که فقط مردان مشمول خدمت وظیفه عمومی می‌شوند در این رژیم زنان نیز باید دوره خدمت وظیفه را بگذرانند. بر اساس قانون این رژیم تمامی شهروندان (به استثنا اعراب) که به سن ۱۸ سالگی می‌رسند باید خدمت وظیفه (مردان ۳۰ ماهه و زنان ۲۴ ماهه) را بگذرانند.

با وجود اینکه ارتش رژیم صهیونیستی یکی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های دنیاست و ایالات متحده متحد آنان است اما همچنان این قانون را اجرا می‌کنند.

در چند دهه‌ی اخیر بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای اروپایی قانون خدمت وظیفه عمومی را لغو یا تعلیق کرده و به سمت و سوی ارتش حرفه‌ای حرکت کرده‌اند. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو که یک پیمان نظامی‌ست را می‌توان یکی از دلایل اصلی این موضوع دانست. بر اساس ماده ۵ این پیمان حمله نظامی علیه یک یا چند کشور عضو این پیمان به مثابه حمله به تمام کشورهای عضو هست و همه کشورهای عضو موظف‌اند برای مقابله با آن تهدید اقدام کنند. همچنین پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (یا به عبارت دیگر فروپاشی بلوک شرق) در سال ۱۹۹۱ که تفکر شماره یک در مقابل تفکر سرمایه داری غرب بود و از طرفی پیوستن کشورهای اسبق عضو این اتحادیه به ناتو تقریباً باعث شده بزرگ‌ترین تهدید کشورهای غربی از بین برود و همچنین پیشرفت نظامی چشمگیر غرب باعث شده نیاز به نفرات زیاد کمتر به چشم بیاید. در طرف مقابل کشورهایی که همواره تهدید نظامی علیه یکدیگر داشتند مثل ایران و رژیم صهیونیستی یا کره جنوبی و کره شمالی خدمت وظیفه عمومی را به شکل سخت گیرانه‌ای پیگیری کرده و می‌کنند.

به طور کلی می‌توان بستن پیمان نامه‌های نظامی، پیشرفت در تجهیزات نظامی، فشار مردم برای لغو این قوانین (خصوصاً در کشورهای توسعه‌یافته) و از بین رفتن تهدیدهای نظامی و یا ایجاد صلح را اصلی‌ترین دلایل تغییر قوانین مربوط به نظام وظیفه دانست. با وجود اینکه بسیاری از کشورها این قوانین را لغو کرده‌اند اما احتمال بازگرداندن این قوانین را در شرایط تهدید نظامی رد نمی‌کنند و حتی بعضی از کشورها این قوانین را در حالت آماده باش نگه داشته‌اند.



مهدی نظری

روزی ۱۵ شهریور

تبعات اجتماعی سربازی

نگاهی به تبعات اجتماعی سربازی اجباری در دوره پهلوی

حتی اعزام جوانان به اروپا یا تاسیس دارالفنون توسط امیرکبیر اقداماتی بود که غالب اهداف آن نوسازی ارتش بود اما در نهایت این تلاش‌ها غالبا به نتایج قابل توجهی که ارتش ایران را وسیله‌ای موثر برای سیاست خارجی کند بازمی‌ماند.

اما در تاریخ معاصر ایران نقطه عطف نظامی‌گری شانزدهم خرداد ۱۳۰۴ خورشیدی است، روزی که قانون اجباری نظام وظیفه در ایران به تصویب رسید؛ قانونی که رضاشاه پهلوی آن را گامی بلند و مفید برای دستیابی حکومتش به ارتشی نوین می‌پنداشت. در واقع رضاشاه با اجرای این قانون، آرزوی بسیاری از مصلحان ایرانی از عباس میرزا و امیرکبیر گرفته تا روشنفکران مشروطه را برآورده می‌کرد. این تغییر در راستای مدرنیزاسیون اجتماعی گامی بزرگ و متهورانه بود که همچون بیشتر اقدامات پهلوی مسائل اجتماعی مردم و زیست جامعه سنتی که هنوز برای گذار به سوی زندگی مدرن راهی صعب و دور در پیش داشت، غفلت می‌ورزید و نمونه‌اش را می‌توان در ماجرای لباس متحدالشکل پسران محصل و فراتر از آن کشف حجاب و اسکان اجباری عشایر و پیش از همه قانون اجباری نظام وظیفه بازجست.

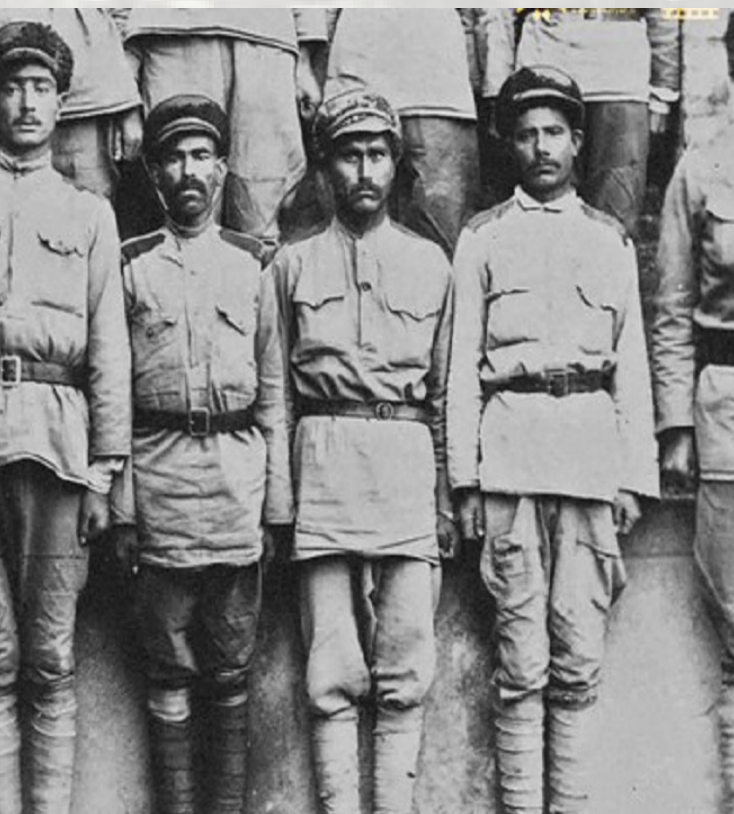
بازتاب این پیروزی و امید به اصلاح و تغییر در میان توده‌های مردم روستایی محروم به شکل دیگری بازتاب پیدا می‌کرد؛ چنان نافرجام و نخواستنی که به بهای دست شستن از جانشان

مسئله سربازی اجباری همانطور که امروز مورد مناقشه و بحث‌های جدی بین حاکمیت و بدنه جامعه است؛ یکی از کشاکش‌های اجتماعی اوایل این قرن خورشیدی هم بوده است. با نظری به تاریخ و وضعیت اجتماعی ایران در دو قرن اخیر شاهد تضادی بین توده مردم و منافع حکومتی هستیم. در جهانی که با سرعت هر چه تمام‌تر به سمت مدرن شدن پیش می‌رود بقای ایران و حیات آن طبعا با مدرنیزاسیون خود ایران نسبت عمیقی دارد. از سوی دیگر مردم (در این دو قرن) هنوز در یک زیست جهان سنتی به سر می‌برند و در غیاب نیروهای اجتماعی که حرکت به سمت مدرنیزاسیون را از متن جامعه جرقه بزنند و بین توده مردم و حکومت دیالوگ برقرار کنند، پروسه مدرن شدن و اصلاحات اجتماعی غالبا با شکست مواجه می‌شود. اجباری سازی سربازی هم یکی از اقدامات پهلوی‌هاست که بدون توجه به زیست جهان جامعه آن روز و وضع اجتماعی و اقتصادی آن‌ها در صدد پیشرفت نظامی است. اقدامی که طبیعتا توده‌ها در برابر آن مقاومت‌هایی هم کردند که در متون نویسندگان آن دوره نیز بازتاب‌هایی داشته است.

در توصیفات سیاحان خارجی درباره وضعیت نظامی ایران در اوایل قرن نوزدهم با تصویر عجیبی از تشمت و هرج و مرج مواجهیم که مطلقا با تصاویر ذهنی ما از ارتش‌های امروزی ناسازگار است. سیاحان خارجی و برخی روشنفکران و رجال دولتی از نبود لباس متحدالشکل، سلاح‌های مدرن و البته نبود نظامی برای سربازگیری و آموزش سربازان انتقاد می‌کنند. باری در این میان بی‌سوادی حتی در رده‌های بالای نظامی امری شایع است و وجود فساد و رشوه خواری از وجود یک سپاه فشل حکایت می‌کند.

۶

در مطالعه حکومت قاجار تلاش‌های پراکنده‌ای برای نیل به یک نیروی نظامی مدرن دیده می‌شود، از جمله اقدامات عباس میرزا برای نوسازی نظام آموزشی سربازان و مدرن‌سازی تسلیحات،



این جهان بینی را می توان در این توصیف زنده و گیرای دولت آبادی از عمو قربانعلی قصه بازجست و به گوشه ای از فهم اجتماعی و معرفت شناسی بدوی و ساده روستاییان پی برد: «حالا ۳۰، ۳۵ سال بود که دنبال گاواره می رفت و هر روز یک روز از عمرش را توی صحرا، میان ماسه های داغ و لابه لای بوته های سبد و هوهوی چرخه سر می کرد. هر روز، مثل هر روز بود. در خودش و در دنیا هیچ فرقی حس نمی کرد. انگار فکر می کرد که دنیا همین قدر تنگست و آدم فقط، همین قدر، بنده زندگانی خودش است. همان روز و همان غروب؛ همان آفتاب و همان خاک و همان توبره و کلاه و کوزه آب و سفره نان و زنش که این آخری ها کور شده بود و پسرهایش و گاوهایش.»

دولت آبادی تصویری از خشونت اجباری ها ارائه می دهد که در آن کدخدای ده به شدت مورد ضرب و شتم قرار می گیرد بدیهی است در چنین فضایی چه اندازه میل به فرار و نافرمانی را در میان جوانان بی نام و نشان و سودا زده روستا شعله ور می کند از دیگر سو نیازهای زندگی که همراه با فقر و نبود امکانات و خشونت اقلیم اجازه حتی خیال پردازی برای زندگی بهتر را از جوانان می گرفت.

نهایتا قصه نظام وظیفه در روایت گاواره بان دولت آبادی با خشونت و ستیزی به نیمه می رسد که میان مردم محلی و گروه بان و سربازانش در حسینه روستا درمی گیرد، گویی مانند نمادی از زیست سنتی مردم و نمایندگان حکومتی که به ارتش و جامعه ای مدرن میندیشند و در نهایت روستاییان مغلوب این نبردند و قنبر - قهرمان جوانان روستا - به اجباری می رود، با رنج و خفت و نویسنده به توصیف خانه ای روستایی می پردازد که جوانش را به اجباری برده اند: «وقتی که یک آدم کارآمد از خانه دور می شود، مثل این است که در تنه مردی، مهره پشتش شکسته باشد. دیگر نه می تواند خوب کار کند، نه خوب راه برود، نه خوب بخندد و نه خوب نفس بکشد؛ حتی نمی تواند که خوب بگرید فقط پوست صورتش جمع می شود، چروک های پیشانی و کنار چشم ها و بیخ بینی اش گودتر می شود و در ته چشم هایش غمی دائمی گلوله می شود و می ماند و آن مرد با چشم های مات خودش کاهیدن همه زندگانی اش را نگاه می کند تا تمام شود. حالا از وقتی که قنبر را برده بودند، خانه قربانعلی مثل همچین مردی بود.»

از همین روست که قنبرعلی قصه باز هم از اجباری می گریزد همچون بی شمار سربازانی که یک روز یلان روستای محروم و کوچکشان بوده اند و در اجباری به موجودات خفیف و حقیری بدل می شدند دلخوش به آش و آبگوشت ظهرها و کته شبها و دیگر هیچ. اما برای حکومت آنچه بیش از رنج این روستاییان مهم بود، امید به داشتن ارتش صد هزار نفری مسلح و آماده جنگ بود که اهمیت داشت. در هر حال قصه محمود دولت آبادی با جمله پر از تخاصم و عناد قهرمان روایت مبنی بر چوب برداشتن در برابر نظام اجباری تمام می شود.

در برابر اجرای آن مقاومت می کردند؛ فارغ از آمال مصلحان تاریخ، چنانکه علما و زمین داران بانفوذ و به ویژه اصناف در شهرها هم به دیده ترس و نفی به این قانون و تبعاتش می نگریستند.

محمود دولت آبادی در کتاب «گاواره بان» وضعیت یک روستا را که اجباری ها برای بردن جوانانش به خدمت سربازی آمده اند به طور رقت آوری توصیف می کند.

در واقع مردم چنان فقیر و مفلوک و رنجیده اند که قادر به درک اصلاحات ملی نیستند، خاطره اصلاح طلبان ملی را به یاد نمی آورند و بیش از هر چیز به آرامش اندک زندگی روزمره خود میندیشند و در برابر آن، حکومت وقت چنان در اجرای سیاست های تازه خود عجزول است که راهی جز توسل به خشونت برای تحقق اهدافش نمی یابد. شاید یک دلیل این اصرار و اعتماد به نفس برای تحقق نظام سربازگیری مدرن از این رو بود که حکومت مدعی بود این قانون را بعد از طی مراحل پر پیچ و خم و مطالعه دقیق قوانین نظام اجباری در کشورهای دیگر و پس از جلسات مکرر فکر و گفت و گو در شورای عالی قشون تدوین کرده است و به درستی و کارآمدی آن ایمان دارد، اما همه این اصلاحات و مطالعات در باور مردم روستا محلی از اعراب نداشت؛ روستاییان امیدی به آینده مملکت نداشتند و فراتر از آن چیزی از این آینده ادراک نمی کردند. جهان بینی روستاییان فقیر دور از رسانه و اتحاد ملی که سال ها در سایه قدرت زمین داران و در نوعی زندگی ملوک الطوائفی زیسته بودند، تنها معطوف به روزمرگی بود و نه اهداف بلندمدت مملکتی.



امیر حسین ذوالفقاری

ورودی ۹۵ هواضا

سربازی از دیدگاه علم



دکتر سید محمد باقر ملائک، ورودی سال ۵۴ دانشگاه صنعتی شریف، هم‌اکنون به‌عنوان عضو هیئت علمی دانشکده هواضا دانشگاه صنعتی شریف فعالیت دارند. اگر دانشجوی این دانشکده باشید و درسی با ایشان گذرانده باشید، بعید است از نقطه نظرات انتقادی ایشان نسبت به خدمت وظیفه عمومی موسوم به دوران سربازی چیزی نشنیده باشید. تسلط ایشان به نظریه سیستم‌ها و تالیف چند جلد کتاب در این زمینه، ما را واداشت تا مصاحبه‌ای با ایشان ترتیب دهیم و خدمت وظیفه عمومی و نقاط ضعف و قوت آن را از دیدگاه نظریه سیستم‌ها بررسی کنیم.

از دیدگاه نظریه سیستم‌ها، نحوه پیدایش ایمنی و امنیت چگونه است؟



ایمنی باید هم در قیمت خودرو باشد و هم در عملکرد خودرو. یعنی نباید این‌طور باشد که یک تعداد اولیه خوب باشند و با کیفیت مناسب و بعد از آن هرچه که تولید شود نه قیمت‌شان پایدار است و نه کیفیت‌شان رو به رشد. چنین رفتاری محل «ایمنی» است ولی از دیدگاه امنیتی اصلاً بررسی هم نمی‌شود. امنیتی‌ها جمله معروفی دارند که می‌گویند به ما ربطی ندارد؛ گران است-نخرید. این سخن از دیدگاه امنیتی درست و از دیدگاه ایمنی به شدت غلط است.

در طبقات بالاتر، مثلاً در یک دانشگاه که وظیفه تربیت نیروهای جوان را بر عهده دارد هم همین‌طور است. اگر یک سیستم آموزشی قادر نباشد، نیروهای مورد نیاز جامعه را تربیت کند، نقشی در ایمنی جامعه بازی نمی‌کند. بنابراین این سوال پیش می‌آید که آیا صحیح است که تحت هر شرایطی این نهاد صدور مدرک را حفظ کنیم؟ واضح است که از دیدگاه سیستم امنیتی دانشگاهی که کارش صدور مدرک است چیز خوبی است ولی از دیدگاه ایمنی این‌طور نیست. در ظاهر تصور می‌شود که صدور مدرک نقشی در ایمنی و پایداری یک جامعه ندارد؛ ولی موارد زیادی هست که می‌تواند محل ایمنی جامعه باشد. زیرا افراد با مدرک ولی بی‌صلاحیت با رسوخ به سطوح مختلف تصمیم‌گیری می‌توانند خطر آفرین باشند. از طرفی اگر بخواهیم این شیوه صدور مدرک را به‌زور حفظ کنیم، دیگر مربوط به نظریه سیستم نیست و وارد وادی سیاستمداران شده‌ایم. عملکرد یک کشور نیز بی‌شبهت به یک کارخانه و دانشگاه نیست. کشور هم مانند مثال‌هایی که زده شد یک فضای فیزیکی دارد که مرزهایش باید حفظ شوند و همچنین جمعیتی دارد که رشد و فعالیت‌هایشان باید حفظ شود. همان‌طور که رشد بی‌رویه جمعیت خطر آفرین است، کاهش بی‌رویه و مهاجرت‌های بی‌رویه هم خطر آفرین است و از همه بدتر بی‌تفاوتی به این پدیده‌ها هم خطر آفرین و محل ایمنی است. در کل باید بدانید که امنیت یک موضوع تخصصی است که همه نباید در آن دخالت کنند؛ در حالی که ایمنی یک موضوع عام است و همه باید در آن دخالت کنند.

با همه این مقدمه، مایلم بررسی کنیم که آیا قوانین جاری کشور در راستای حفظ «امنیت» و «ایمنی» کفایت می‌کنند یا خیر. و آیا در راستای حفظ و افزایش ایمنی و امنیت هستیم یا جهت معکوس آن قدم می‌زنیم. و البته یکی از این قوانین، قانون وظیفه عمومی است. واضح است افرادی که در یک جامعه از یک کسب و کار پایدار بهره‌مند هستند، پایداری‌شان تابعی از ایمنی و امنیت کشور است. بنابراین هر کشوری که از قواره مشخصی بزرگ‌تر باشد، از ارتش منظمی هم برخوردار است. ولی حفظ ارتش منظم همه ماجرا نیست. ایمنی و احساس ایمنی به مراتب مهم‌تر از امنیت است.

اساس یک جامعه به عنوان یک سیستم این است که هدف‌های متفاوتی را دنبال کند. در طول تاریخ توسعه جوامع بشری، مردم برای این که نیازهای یک‌دیگر را برطرف کنند، در کنار هم جمع می‌شده‌اند. این موضوعی تنها محدود به قرن‌های اخیر نیست. در دوران گذشته خدماتی که در هر جامعه ارائه می‌شد محدود بود. یک نفر نان می‌پخت، دیگری ماهی‌گیری می‌کرد که برای مبادله اجناس خود نیازمند ارتباطی پایدار بودند. بنابراین ارتباطات به شکل محدود و براساس خدماتی که هر فرد ارائه می‌کرد، شکل می‌گرفت و به این ترتیب نیازهای یک جامعه کوچک برطرف می‌شد. اما با گذشت زمان، جوامع از نظر تعداد جمعیت رشد کردند و نیاز به کسب و کارهای پایدار هرچه بیشتر مشخص شد. از لوازم یک کسب و کار پایدار نیاز به امنیت و ایمنی است و اطمینان از آینده. امنیت و ایمنی دو ویژگی مهم یک سیستم پایدار هستند. این اصل که وقتی فردی وارد فعالیت مشخصی می‌شود و خدماتی را ارائه می‌کند؛ محدود به یک زمان محدود نباشد. و فرد بتواند بدون نگرانی از این که حریم آن فعالیت نقض شود آن فعالیت را توسعه داده و پاسخگوی افزایش جمعیت هم باشد. البته رقابت می‌تواند وجود داشته باشد. ولی این‌طور نباشد که بخشی باشند که به یک‌باره بخشنامه صادر کنند که «از فردا کسی حق ندارد آب میوه‌ها را بگیرد؛ و همه باید میوه مصرف کنند». چنین رفتاری با هر دلیل و برهانی که باشد محل «ایمنی» است. برای همین است که درک تفاوت‌های جدی بین «ایمنی» و «امنیت» بسیار ضروریست. باید توجه کرد که عده‌ای تصور می‌کنند که «امنیت» مهم‌تر از «ایمنی» است. درحالی‌که این‌طور نیست. این دو جای یک‌دیگر را نمی‌گیرند و موضوع خدمت سربازی هم یکی از همین موارد است. امنیت یک جامعه وابسته به این است که افراد قادر به فعالیت و ارائه خدماتی برای پایدار کردن حضور خود در آن جامعه باشند؛ یعنی بتوانند به فعالیت‌های مثبت خود ادامه بدهند، اصل اساسی حفظ جوامع و یا مهاجرت‌های کنونی هم همین است. درست مثل این که کسی برای احداث خانه آرزوهایش در نزدیکی یک کوه آتش‌فشان فعال اقدام نمی‌کند؛ چرا که احتمال فوران آن وجود دارد. پس منطقی‌ست که وقتی افراد تصمیم گرفتند، در کنار هم به صورت یک اجتماع زندگی کنند خدمات پایداری را به یک‌دیگر ارائه دهند. این سنگ بنای ایجاد ایمنی است. مثلاً شما انتظار ندارید یک فروشگاه که امروز سیب می‌فروشد، فردا گل‌گاو زبان بفروشد و پس‌فردا هم تعطیل کند! البته انتظار هم نداریم این پایداری، الی‌الابد باشد ولی مثلاً اگر یک شرکت خودرو سازی (مثل ایران خودرو یا سایپا) قرار است خودروهای ایمن‌تری تولید کند، این

ارتش منظم چگونه ایجاد می شود؟ آیا یک عده محدود درازی دریافت حقوق بایسته از بقیه مراقبت کنند یا همه افراد بایسته در این امر مشارکت داشته باشند؟



در کشورهایی که براساس نظریه سیستم خود را اداره می کنند، صرف نظر از این که از چه ویژگی های جغرافیایی برخوردار هستند؛ اولین قدم تشخیص نوع تهدیدهاست. و خیلی واضح است که تهدیدها از تهدیدهای آشکار و کوتاه مدت شروع و به تهدیدهای پنهان و بلندمدت ختم می شوند. بعد از مشخص شدن انواع این تهدیدهاست که به تعریف «ایمنی» و «امنیت» می پردازیم و از آن جا هم به نحوه مقابله با تهدیدها، نه برعکس. یعنی بنده بسیار شاهد بوده ام که با مشخص شدن تهدید، عده ای به سرعت به نحوه مقابله با آن تهدید می پردازند. که این کار به شدت خطرناک است. مثل اینکه بگوییم «بی سواد» یک تهدید جدی برای جامعه است و بعد عده ای به سرعت تصمیم بگیرند که برای مبارزه با بی سواد همه بی سوادان را دستگیر و به زندان بیندازیم. در مورد «حجاب نامناسب» هم عده ای به همین شیوه عمل کردند.

از دیدگاه نظریه سیستم «ایمنی» یک مسئله عام است و باید برای همه سطوح جامعه وجود داشته باشد و همه هم در آن مشارکت کنند. ایمنی چیزی مشابه تنفس است. نفس کشیدن محدود به طبقه خاصی نیست. همه باید در حفظ و ایجاد ایمنی مشارکت داشته باشند و باید شرایطی هم باشد تا همه در ایمنی مشارکت کنند. مسائل امنیتی این طور نیست. حفظ امنیت برعهده عده مشخصی است. یعنی اگر یک ارتش حرفه ای وظیفه نگهداری از مرزها و امنیت کشور و جامعه را برعهده دارد، لزومی ندارد همگی با آن همکاری داشته باشیم. برای همین ارتش های خصوصی هم هستند که در قالب شرکت های خصوصی فعالیت دارند. اما در جایی که ایمنی مورد نظر هست نیروهای عمومی و داوطلبانه حضور دارند. ارتش ایالات متحده از بزرگترین ارتش های دنیاست ولی آمریکا نیرویی بنام گارد ملی ایالات متحده هم دارد ولی نقش آن بیشتر ایمنی است. ساختاری مشابه بسیج در ایران. هرچند که ممکن است تفاوت های زیادی را در آموزش و فرهنگ آن ها ببینیم ولی اصل این است که همه مردم تشویق به مشارکت در ایمنی جامعه می شوند. در گارد ملی آمریکا آموزش ها تخصصی هستند تا به افراد داوطلب کمک شود که شغل و حرفه ای هم برای خود فراهم کنند. در مورد بسیج اطلاع زیادی ندارم ولی مشخص است که در دوره سربازی چنین نیست. سربازی در ایران، که در رژیم گذشته و با نقش برجسته مشاوران خارجی پایه گذاری شد همان نظریه سیستم های غربی را دنبال می کرده ولی به صورت ناقص و با کمال تعجب بعد از انقلاب نیز با همان سبک و بدون توجه به مبانی و فلسفه ایمنی که باید ایجاد می کرد ادامه پیدا کرد و بنده براساس دیتاهایی که در طول مدت تدریس خود در دانشگاه کسب کرده ام به این نتیجه رسیده ام که در وضعیت کنونی دوره سربازی نه تنها ایمنی مشخصی ایجاد نمی کند بلکه شواهدی داریم که مخل ایمنی هم شده.

که منظور من بطور مشخص لزوم مشارکت دادن بانوان در ایمنی کشور است. در مورد ایمنی نمی توانیم نصف جمعیت کشور را نادیده بگیریم. یک خانم باید بتواند در یک روستای دورافتاده که در معرض انواع آسیب های ایمنی و حتی امنیتی است آموزش هایی را بدهد که بسیار حیاتی هستند. از رعایت بهداشت عمومی و آموزش کمک های اولیه به ساکنین خانه های آسیب پذیر در اثر زلزله و سیل بگیرد تا خطرات قاچاق و مواد مخدر. تا آن جایی که بخاطر دارم در رژیم گذشته هم خانم ها می توانستند در سپاه بهداشت و سپاه دانش به ارائه خدمت بپردازند با اینکه جمعیت کشور به مراتب کمتر از شرایط حاضر بود؛ اکنون که جمعیت کشور افزایش یافته و مرز نشینان کماکان در معرض انواع آسیب های اجتماعی هستند، چطور می توان از خدمت مهمی که خانم ها می توانند ارائه دهند صرف نظر کرد.

ایراد بعدی این است که بعد از گذشت دو سال از خدمت سربازی، هرکسی انتظار دارد در کنار خاطره های اعجاب آور مهارتی هم کسب کرده باشد. امروزه کسانی هستند که با رضایت خاطر به سربازی می روند و انصاف نیست اجازه داده شود که دو سال عمرشان فقط تحت عنوان خدمت سربازی سپری شود. در این مدت طولانی باید سعی شود که مهارت هایی هم که برای زندگی عادی ضروری هستند به آن ها آموزش داده شود تا حس نکنند که این دوره دستاوردی برایشان نداشته. خصوصاً اکنون که آموزش های حین خدمت بسیار باب هستند.

مورد دیگری که بسیار تعجب آور است این سوال ساده است که منطق تعیین پایه حقوق ماهیانه سربازی که برای ایمنی و یا امنیت کشور کار می کند چه ارتباطی با حداقل حقوق کارگر ساده ای که در همان کشور فعالیت می کند، دارد. به عقیده من توهین آمیز و تناقض غیرقابل قبولی است که از یک طرف به این خدمت، خدمت مقدس سربازی گفته می شود و از طرف دیگر به سربازها چنین القا می کنیم که کار آن ها تفاوت آن چنانی با یک کارگر ساده ندارد. خدمت سربازی از این جهت دچار تناقض در مفهوم شده است. برای رفع این مشکل واقعیت این است که اکثر ارتش های جهان آموزش مهارت های متفاوت در دوره سربازی را بعنوان بخشی از آموزش عمومی تلقی می کنند و برای آن برنامه ریزی های منسجم دارند. برای مثال ارتش چین این خیل عظیم نیرو را در خدمت بهسازی اقتصاد خود به کارگرفت و نتایج شگرفی را هم در آبادانی چین بدست آورد. نظامی که ارتش دارد به همراه دانش قطعا می تواند در آبادانی نقاط حساس مرزی نقش مهمی ایفا کند یعنی باید دوره سربازی را به یک دوره آموزش فنی حرفه ای تبدیل کرد. در این گونه ارتش ها، ذیل همان دیسپلین ارتشی، به افراد حرفه ای مثل تعمیر ابزارهای مختلفی مانند خودرو آموزش داده می شود. آن فرد بعد از سربازی در حقیقت یک تکنسین است و رشد کرده. بنابراین نباید کاری کنیم که سربازی، به مثابه یک جام داروی تلخ باشد که باید آن را سرکشید. نباید مدام تکرار کرد که قانون است و باید اجرا شود. قانون هست ولی باید قانونی قابل هضم و پذیرش باشد. نه یک داروی تلخ که به اجبار سرکشیده می شود!

البته در این بین، موارد دیگری نیز باعث ایجاد نفرت از خدمت سربازی می شوند مانند اتفاقات داخل پادگان ها برای ایجاد فرمان برداری. قوانین می توانند سخت گیرانه و دقیق باشند ولی نباید نفرت ایجاد کنند. اگر به طور خاص از این جنبه به مقوله خدمت وظیفه نگاه کنیم که هر فردی می داند عمر محدودی دارد و می خواهد تا آنجا که ممکن است برای خود و نزدیکانش مفید واقع شود. این حس فرد وقتی در جایی قرار می گیرد که می بیند نمی تواند مفید واقع شود، او را از خودش و محیط متنفر می سازد و این نفرت ماندگار و خطرناک است و با نصیحت و شعار هم قابل رفع نیست. به وفور در صداوسیما سربازانی در مناطق مرزی را در حال دیده بانی از مرزهای کشور نشان می دهند. این موضوع که وظیفه او، پاسداری از مرزهای کشور است موضوع قابل درک و قابل احترامی و حتی قابل تحسین است اما این فقط ظاهر قضیه است اگر این فرد حس کند که خانواده و اقوامش مثلاً به دلیل گران شدن قیمت اقلام در شهر حس ایمنی

بایک نگاه کلی به شرایط کشور، آیا قانون وظیفه عمومی، وظیفه خود را به درستی انجام داده است؟



در بهترین حالت، هدف قانون وظیفه عمومی و منطق آن این است که همه افراد جامعه به نحوی در ایمنی و امنیت جامعه مشارکت کنند. اولین و بزرگترین ایرادی که به روش اجرای این قانون بعد انقلاب وارد است این است که با چه منطق و تفکری خانم ها را در این مشارکت مهم نادیده گرفته اند، در حالی که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می دهند. البته مجدداً این سوء تفاهم ایجاد نشود



به نظر شما، اظهارنظرهایی که پیرامون اصلاح موضوع سربازی از سوی برخی مقامات و مسئولین علی‌الخصوص در ایام انتخابات مطرح می‌شود، جنبه عملیاتی خواهد یافت یا صرفاً در حد یک شعار و تبلیغات است؟



اگر من یک روز به شما وعده دادم که اگر رئیس دانشگاه شدم، اختیارات وزیر علوم را محدود می‌کنم شما بلافاصله متوجه می‌شوید که من مشغول شوخی و یا در حال شعار پوچ تبلیغاتی هستم! البته مقصر اصلی در ترویج فرهنگ شعار، خود صداوسیماست. صدا و سیماست که با ساخت یک فلان دستگاه، اصرار دارد بگوید که ایران جزء مثلاً ده کشور سازنده فلان چیز است. درحالی‌که فقط یک نمونه ساده از آن فلان چیز تهیه شده؛ به یکباره کل کشور می‌شود جزو فلان دسته. یا مثلاً این صداوسیماست که انتخابات را به یک تنور تشبیه می‌کند و مدام صحبت از «تنور انتخابات» می‌کند. صادقانه عرض می‌کنم این رفتار که در عمل منجر به واکنشی شدن مردم و دور شدن آن‌ها از تفکر می‌شود، کودکانه و خطرناک است. رفتار صداوسیما با مردم مشابه رفتار یک مادر با کودکش می‌ماند. یک مادر وقتی می‌خواهد بچه‌اش را تشویق به خوردن غذا کند، انواع اقسام ترندها را به کار می‌گیرد. مثل این که این به به است و اگر بخوری می‌برمت پارک. ولی صداوسیما فراموش کرده که این شیوه در برخورد با مردم ناکارآمد و ناپایدار است. این که مردم را چون کودکانی فرض کنیم و با آن‌ها کودکانه رفتار کنیم نتیجه‌اش این می‌شود که از تفکری که به آن نیاز دارند، دور می‌شوند. من در حال حاضر، افرادی را می‌بینم که از روی اجبار و نبود کار به مقطع ارشد و دکتری می‌آیند. شرایط حال حاضر در مقطع دکتری واقعاً نگران کننده است. ما قادر به حمایت از دانشجویان دکتری خود نیستیم. این‌ها به هیچ‌وجه سیاه نمایی نیست. واقعیت‌هایی است که با آن روبه‌رو هستیم. این که یک فرد وعده اصلاح قانون سربازی را بدهد در حالی که اساساً از اصل مشکل باخبر نیست و صرفاً به دنبال جمع کردن هوادار و رای است، صحیح نیست. البته شاید شورای نگهبان چنین افرادی را تایید صلاحیت نکند ولی مشکل سربازی باید حل شود. شما هم نباید به این شعارها دلخوش کنید. موضوع سربازی یک موضوع جدیست که باید در جمع متفکرین و با استفاده از مدل سازی، زمان مناسب و چگونگی آن را برای کشور مشخص کرد. قانون قدیمی خیلی وقت است ناکارآمدی خود را نشان داده است.

خود را از دست داده اند، شاید جلوی دوربین چیزی نگویید ولی قطعاً به ارزیابی نقش خود می‌پردازد و اگر آن نقش را در ایمنی خانواده اش موثر نبیند؛ حس خوبی پیدا نخواهد کرد.

و در نهایت، موضوع چهارمی که می‌خواهم به آن اشاره کنم، مدت زمان سربازی است. من تا به حال ندیده‌ام کسی درباره مدت زمان دوره کارشناسی که چهار سال است، شکایت و گله کند. معمولاً یک فرد اگر حس کند در طول زمان تحصیل، چیزی به دانش او افزوده می‌شود، اصراری به کوتاه کردن زمان دوران تحصیل خود ندارد اما مسئله‌ای که برخی با آن مواجه‌اند این است که بعد از دوران تحصیل باید به سربازی بروند. به عقیده من، با ظهور اینترنت و انواع آموزش‌های روی شبکه، دانشگاه‌ها در آموزش منحصر به فرد نیستند یعنی کتابخانه‌ها و بیشتر اساتید به سادگی می‌توانند با یک سرچ روی اینترنت جایگزین شوند. حالا اگر ببینید که دانشجویان ایرانی علاقه زیادی پیدا کرده‌اند که دوران تحصیل خود را طولانی کنند؛ باید کمی تعجب و کمی تحقیق کنید.

چرا دانشجویان ایرانی به تحصیلات طولانی‌تر علاقه‌مند شده‌اند؟



بررسی‌های میدانی من را به این نتیجه رسانده که این علت علاقه نخبگان کشور بیش‌تر، در اثر ترس از رفتن به سربازی است. یعنی دوره کارشناسی را که تمام می‌کند، بدنبال کار و کسب درآمد نیست. درست که کار هم زیاد نیست ولی سوال این است که

برای چه دانشجویان این همه در کنکور ارشد شرکت می‌کنند و پس از آن هم دوره دکتری. یک دلیل مهم این فرایند عجیب ایجاد تاخیر در رفتن به سربازی است که باعث می‌شود یک دانشجو بعد از دوران کارشناسی به کارشناسی ارشد و سپس به دوره دکتری ادامه دهد. عقل سلیم حکم می‌کند که این ترس رفتن به سربازی را بررسی و کاهش دهیم تا آن شخص که واقعاً به افزایش سطح دانش خود علاقه‌مند است به دوره‌های بالاتر بیاید. و به نظر من، زمان دو ساله برای سربازی، عامل بسیار مهمی در ایجاد چنین ترسی است. برطبق نظریه سیستم این که همه افراد جامعه را با وجود تفاوت‌های چشم‌گیری که دارند مقید به دو سال سربازی رفتن کنیم ساده لوحانه و مانند این است که در یک بزرگراه همه رانندگان را مقید به رانندگی با یک سرعت کنیم. در یک بزرگراه هم سه خط وجود دارد و افراد (زن و مرد- پیر و جوان) حسب شرایط خود خط و سرعتی را برای رانندگی انتخاب می‌کنند. سربازی هم باید چنین باشد. این نوع اعمال قانون عاقلانه و پذیرفتنی نیست. پیشنهاد من این است که همه افراد جامعه، متناسب با شرایط خود (اعم از جنسیت، شغل، تحصیل و محل زندگی) را باید به چندین کلاس تقسیم کنیم و به آن‌ها اجازه دهیم نوع سربازی رفتن (یعنی نوع مشارکتشان در ایمنی و امنیت کشور) را انتخاب کنند. نفرت و ترسی نباید ایجاد شود. همه افراد باید حق انتخاب داشته باشند که خدمت وظیفه را چگونه و در چه مدتی و در چه ارگانی و در چه منطقه‌ای سپری کنند. به هر صورت همان‌طور که عرض کردم این که برای این همه آدم یک نسخه پیچیده شود و صرف این که چون در رژیم گذشته این مدت بوده، الان هم باشد قابل قبول نیست. به نظر می‌رسد اگر امنیت و ایمنی به درستی تعریف شود و مشارکت خانم‌ها نیز صورت بگیرد، باتوجه به جمعیت ۸۰ میلیونی کشور، مدت زمانی بین چهار تا شش ماه برای سربازی معقول و کافی خواهد بود و البته با عنایت به این موضوع که هیچ‌کسی نباید حس ناخوشایندی در هیچ دوره‌ای از زندگی‌اش داشته باشد! البته محاسبات من تقریبی است، به عقیده من، ما نیاز به افرادی متفکر و مسلط به نظریه سیستم‌ها داریم تا بتوانند قوانین مناسب موضوع سربازی را تدوین کنند تا مشکلاتی که در شکل فعلی آن هست برطرف شود و پسران هم اینقدر در دانشگاه‌ها به بهانه درس نمانند.



 **Tweet**

 **Sina Asgari**
@SinaAsgari

از بهمن ماه سال گذشته که دفاع کردم تا امروز، چهار تا موقعیت بسیار مناسب در ارتباط با رشته تحصیلم و تخصصم رو از دست دادم، فقط و فقط به خاطر خدمت مقدس سربازی!

#ازسربازی_بگو
#شهروند_درجه_صفر

[Translate Tweet](#)

14:53 · 4/15/21 · [Twitter for Android](#)

31 Retweets 3 Quote Tweets 122 Likes



 **Thread**

 **Mehdi**
@mehdi02

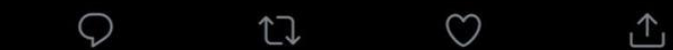
با 17 سال تجربه برنامه‌نویسی، در محیط درمانی (با آسم شدید و وضعیت کرونا)،
#سرباز باغبان بودم، صبح زود تانکر آب خالی می‌کردم و بعد با دست خالی علف هرز درو و آشغال‌ها رو جمع می‌کردم و شلنگ 50 متری رو دنبال خودم می‌کشیدم تا محوطه رو آب بدم!

#ازسربازی_بگو
#سربازی_اجباری
#شهروند_درجه_صفر

[Translate Tweet](#)

00:35 · 4/8/21 · [Twitter Web App](#)

43 Retweets 302 Likes



 **Tweet**

 **Mohammad Asgari**
@mohammad_asgari

موکل، سربازی 22 ساله با درد شدید کمر به بیمارستان نظامی مراجعه کرده و در اثر قصور پزشکی عصب پا و کمرش آسیب جدی دیده، به میزانی که امکان راه رفتن صحیح و ایستادن رو نداره... نکته اینجاست که فرمانده مربوطه گفتن باید با همین وضع، پست بدی و گرنه فرار از خدمت رو اعلام می‌کنم.

#ازسربازی_بگو

[Translate Tweet](#)

20:24 · 4/11/21 · [Twitter Web App](#)

48 Retweets 5 Quote Tweets 309 Likes



 **Tweet**

 **Farzan**
@farzan03

تو آسایشگاه ما همه کرونا گرفتن منم بد سرفه می‌کنم؛ گفتن بدون تست نمی‌تونین برین مرخصی! یکی از بچه‌ها داره میمیره نمیذارن بره میگن برو تست بده اگه بعد از چند روز جوابش که اومد، مثبت بود بعد بهت مرخصی می‌دیم! نمی‌دونم چه گناهی کردیم خستم به خدا

#ازسربازی_بگو
#سربازی_اجباری

[Translate Tweet](#)

22:08 · 5/5/21 · [Twitter for Android](#)

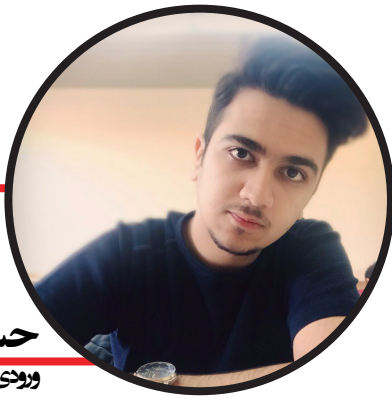
18 Retweets 76 Likes



سربازی چند؟

نگاهی به خرید و فروش سربازی

حسین سروش
رویدی ۸۸ نت



آینده و اتفاقات پیش روی، دغدغه‌ای گاه‌ها سخت و صد البته، همیشه جدا ناپذیر از تفکرات و ذهن پریشان انسان‌هاست. جوامع دیگر را نمی‌دانم، اما در زندگی جوان ایرانی مسئله‌ای مهم وجود دارد که بی‌شک از دیگر مسائل گوی سبقت می‌گیرد و بیش از همه آن‌ها اظهار وجود و خودنمایی می‌کند؛ خدمت سربازی! درست است، موضوع سربازی آقایان همیشه پابرجا بوده و هست. اما چیزی که آن را در سال‌های اخیر خاص‌تر از گذشته می‌کند، وجود قانونی است مبنی بر خرید خدمت سربازی با پرداخت پول، برای افرادی با بیش از ۸ سال عدم حضور در این جایگاه.



طبقه پرجمعیتی از جامعه، مهم‌ترین اصل شکاف موجود است. اگر چه هستند کسانی که فروش جریمه سربازی را به چشم یک نوع تبعیض اجتماعی نمی‌بینند و سخن از دیگر معضلات اجتماعی می‌کنند. برای مثال زندانیان دیه و مهریه یا وجود اختلافات خانوادگی که ریشه اقتصادی دارند و بین اعضای یک خانواده گاهی جدایی به وجود می‌آورد را علم کرده و آن را، هم‌رده فروش جریمه سربازی می‌بینند. اما احتمالاً بتوان با یک حساب سرانگشتی ساده چنین سخنانی را رد کرده و بیشتر بر این مسائل تفکر کرد.

سربازی یک موضوع همگانی است که فرد هیچ دخالتی بر وجود یا عدم وجود آن ندارد. قانونی که براساس آن موظف به انجامش می‌باشد. دیگر کسی فرد را مجبور نکرده که با یک هنجارشکنی یا هر عمل خاص دیگری که وقوع آن به شخص مربوط است، خود را در وضعیتی قرار دهد که موضوع اختلاف اجتماعی پدیدار شده و علت به‌وجود آمدن این موضوع، عملکرد خود شخص در کارهایش می‌باشد.

حتی همین موضوع خرید سربازی اگر اصولی انجام نشود، حفره عمیق طبقاتی موجود را در جامعه بیشتر می‌کند. این‌گونه که هرکس پول‌دار است می‌تواند خدمت سربازی‌اش را بخرد و کسی هم که تمکن مالی ندارد، مجبور است در نقطه صفر مرزی خدمت کند.

یا هستند دانشجویانی که می‌گویند ما سال‌ها درس خواندیم و برای کسب مهارت‌های تخصصی زمان و هزینه صرف کردیم و حال پس از چندین سال زحمت و مشقت فراوان، باید دفترچه خدمت اخذ نموده و به سربازی برویم و تنها امیدمان این باشد که مسئول مربوطه، پژوهش‌های ما را که بسیار باارزش‌اند، به حقوق ناچیز سربازی قبول کند و طول مدت خدمت وظیفه‌عمومی‌مان را کاهش دهد و همه این‌ها در حالی است که بعضی افراد، با اتکا به مال و ثروت خانواده‌شان مشکلی برای‌شان پیش نمی‌آید و به راحتی زمان باارزش را خریداری می‌کنند.

اما نکته مهمی که وجود دارد و بیشتر از دیگر مسائل، شبهه برانگیز است، این است که چرا بر چنین مسئله‌ی مهمی، از طرف مسئولین مربوطه تفکر بیشتری صورت نمی‌گیرد و با برطرف کردن مشکلات امکان انجام چنین کاری را برای همه افراد فراهم نمی‌کنند؟ یا چگونه است که مدت زمانی برای این‌گونه موارد تعیین می‌شود و بعد از آن دیگر به راحتی فراموش می‌شود و دوباره در زمان لازم، از منظر افرادی خاص، به کار برده می‌شود؟

هرچه که هست امیدواریم راهی در این پستی و بلندی‌ها پیدا شود تا همه مردم بتوانند از یک شرایط خاص بهره برده و دیگر هیچ فردی به سبب تمکن مالی از دیگری برتری نیابد و همگی به یک چشم دیده شوند.

نخستین بار در آذرماه سال ۱۳۷۷ برای زمانی ۳ساله به مشمولان خدمت سربازی در ایران این اجازه داد شد تا با پرداخت مبالغی از خدمت سربازی معاف شوند.

در دولت آقای حسن روحانی نیز بندی در لایحه بودجه سال ۹۴ قرار داده شد که با قدری چکش‌کاری مجلس شورای اسلامی و ستاد کل نیروهای مسلح تحت عنوان جریمه خدمت سربازی برای مشمولانی که بیش از ۸ سال غیبت دارند ارائه شد. این افراد می‌توانستند با پرداخت جریمه نقدی غیبت خود، از سربازی معاف شوند. اما با تغییرات اعمال شده دیگر امکان انجام آن وجود نداشته و توانایی این کار از افراد واجد شرایط سلب شده است.

این در شرایطی است که این اقدام می‌توانست سود بسیاری نه تنها برای فرد مشمول، بلکه دیگر ارگان‌ها و جوامع کشوری نیز داشته باشد و همه این موارد موضوع استفاده بهینه از سرمایه انسانی را بیشتر به چشم می‌آورد.

نکته قابل توجه، شرایط فعلی سربازی در کشور است که به گواه بسیاری از مسئولین کمک زیادی به سیستم دفاعی کشور نمی‌کند. حتی می‌شد با استقبال از این طرح، سربازی را به سمت حرفه‌ای شدن جلو برد و از افراد علاقه‌مند به این موضوع استفاده برد و الباقی افراد هم که قابلیت کمک به دیگر موارد کشوری را دارند، بجای استفاده نادرست در بعضی از ادارات، به حرفه خود مشغول شده تا باری از مشکلات کشوری بردارند.

تمام مسائل بیان شده می‌تواند با یک برنامه‌ریزی درست و دقیق سرانجامی خوش به همراه داشته باشد. اما موضوعات دیگری نیز وجود دارد، به گونه‌ای که این دسته از قوانین، کام را بر جوامعی از مردم تلخ کرده به گونه‌ای که گاه‌ها مخالف اعمال همچنین قوانینی هستند.

میزان جریمه مشمولانی که بیش از ۸ سال غایب بوده‌اند برای صدور کارت معافیت نظام‌وظیفه با در نظر گرفتن مدرک تحصیلی به این ترتیب بود که زیر دیپلم ۱۰ میلیون، دیپلم ۱۵ میلیون، فوق‌دیپلم ۲۰ میلیون، لیسانس ۳۰ میلیون، دکترای غیرپزشکی ۳۵ میلیون، دکترای پزشکی ۴۰ میلیون و پزشکان متخصص و بالاتر ۵۰ میلیون تومان باید پرداخت می‌کردند. مسئله‌ی پول، که چرک کف‌دست ثروتمندان و آقازاده‌ها است و نان‌شب ضعیفان و



دوسال پرحادثه

حامد شیخیان
رویدی ۹۸ منایع

می‌داد، رسانه‌های‌شان این قدر بی تفاوت نبودند و این فاجعه به یک تیر حادث تبدیل نمی‌شد. واقعاً چه کسی پاسخ‌گوی این وسیله نقلیه‌های اسقاطی است؟ اما سرباز مگر چه ارزشی دارد؟ فیش حقوقی شاهد است که سرباز ماهیانه ۷۰ هزار تومان می‌ارزد؛ ۷۰ هزار تومان...»

بعضی هم مشکل را در سیستم حمل و نقل سربازان و فرسوده بودن آن دانسته‌اند.

هم‌چنین در این حین، حسین احمدی، وکیل دادگستری نامه‌ای به وزیر راه و شهرسازی یعنی عباس آخوندی نوشت که در آن علت سقوط اتوبوس را عدم کنترل آن و فقدان گارد ریل دانست و در پایان، درخواستش از وزیر این بود که دستور بررسی موضوع را صادر کند تا با مقصران برخورد شود و هم‌چنین نسبت به به‌سازی و رفع موانع و پیچ‌های خطرناک جاده‌های کشور اقدام شود.

حال که از اتفاقات این چنینی بگذریم، حادثی هم هست که به‌صورت روزمره در طول خدمت سربازی رخ می‌دهد که چند مورد از آن را بررسی می‌کنیم:

- سلام، بنده حین خدمت و توی پادگان، در حال نصب پرچم از روی نردبان افتادم و رباط زانوم پاره شد...

- با درود فراوان، من در زمان خدمت در محل خدمت، در اثر اشتباه یک سرباز نگهبان که اسلحه را امتحان می‌کرد، تیر به ران پام خورد...

- با سلام این جانب سرباز سپاه هستم. وقتی در حال پست نگهبانی روی برجک بودم، در موقعیت من ماشینی توقف کرد و باید در آن لحظه با خطاری که می‌دادم، ماشینو از موقعیتم دور می‌کردم. وقتی در حال پایین‌آوردن از برجک بودم، با توجه به این که حواسم به ماشین متوقف‌شده بود، پام لیز خورد از برجک افتادم و به بیمارستان منتقل شدم و الان دیسک کمر و پارگی رباط دارم...

- با سلام بنده سرباز سپاه هستم و در چند روز مانده به پایان خدمتم در پادگان و در حین خدمت پام لیز خورد و افتادم و استخوان انگشت سوم کف دست چپم شکست...

این‌ها گوشه‌ای از حرف‌های کسانی است که در حادثه سربازی آسیب دیده‌بودند و همه به دنبال گرفتن غرامت و اکثراً از بی‌توجهی، نوع برخورد و ندادن غرامت کافی معترض بودند و به دنبال راه قانونی آن.

به‌طور کلی حوادثی مثل پاره شدن رباط صلیبی، به اتفاقی عادی در سربازی تبدیل شده و هم‌چنین هرازگاهی اتفاقات هولناکی هم می‌افتد و باید دید بالاخره تدابیری برای امنیت بیشتر این سربازان اتخاذ می‌شود یا خیر.

در خوابگاه نشسته‌اید، فرسنگ‌ها از منطقه جنگی فاصله دارید، ناگهان صدای شلیک دم گوش‌تان می‌آید؛ گردوخاک همه‌جا را گرفته، سقف آسیب دیده، دشمن حمل کرده؟ نه، یکی از سربازها مشغول تمیز کردن سلاحش بوده و گویا آن را خالی نکرده‌بوده. این‌ها خاطرات عینی پدرم از زمان خدمتش در جنگ بود. او می‌گفت جو آن زمان طوری بود که حتی بالادستی‌ها جرئت نمی‌کردند به امثال این سربازها چیزی بگویند. از سربازی می‌گفت که یک خشاب پر روی فرمانده‌اش خالی کرده. یعنی احتمال این که شب را خواب باشی و هم خدمت‌ات با چاقویی روی گلویت ظاهر شود، دور از انتظار نبود.

حوادث سربازی از اتفاقاتی است که حتی در زمان صلح هم گریبان‌گیر سربازان می‌شود، در ابتدا به چند مورد از این اتفاقات در چند سال اخیر می‌پردازیم که سروصدای زیادی هم در رسانه‌ها به پا کردند.

مردادماه سال ۹۶ بود که سربازی در پادگان کهریزک تهران، به سمت هم‌خدمتی‌هایش شلیک کرده و نتیجه آن، ۴ کشته و ۱۲ زخمی بود که دلیل آن سرباز از این کار مشخص نبود و احتمال می‌رفت به‌خاطر مشکلات روحی و روانی باشد.

کمی عقب‌تر یعنی تیرماه ۹۶، سربازی در پادگان آبیک قزوین اقدام به تیراندازی کرده و ۳۳ نفر کشته و ۶ نفر مجروح شدند. حال بخشی از اظهارات امیرعلی سامانی، رئیس بازرسی نیروی زمینی ارتش نشان از این دارد که ضارب مانند باقی سربازها زندگی عادی داشته‌است. وی هم‌چنین به معاینات پزشکی و گمارده شدن سربازها بعد از احراز سلامت روحی-روانی مناسب اشاره داشت.

امیرعلی سامانی با اشاره به این که سرباز ضارب در حین امر نگهبانی، اقدام به تیراندازی کرده، تصریح کرد: وی هیچ‌گونه مشکل خدمتی در طول مدت خدمت سربازی با سربازان و فرماندهان تا لحظه وقوع حادثه نداشته اما بررسی‌های اولیه پزشکی و بازرسی‌های دقیق از محل حادثه نشان می‌دهد ضارب احتمالاً دچار جنون آنی (سایکوز گذرا) شده و با اسلحه در اختیار، در اقدامی ناگهانی به سمت سربازان حاضر در آسایشگاه پاس‌دارخانه و هم‌خدمتی‌های خود که در حال استراحت بودند، تیراندازی و بلافاصله نیز اقدام به خودزنی کرده‌است.

بعد از این اتفاق‌ها موجی در بین مردم راه افتاد مبنی بر صلاحیت افراد برای رفتن به سربازی که آن را با هشتگ #بازبینی_سربازی نشان می‌دادند. برای مثال یکی از کاربران نوشته بود: «الان میتونید به خانواده‌های اون جوون‌هایی که با تیر اون سرباز کشته شدن بگید سربازی مقدس؟ مرد می‌سازه؟ #بازبینی_سربازی»

اما همیشه هم تقصیر یک سرباز نیست. تیرماه سال ۹۵ بود که خبری دوباره باعث شروع موجی در شبکه‌های اجتماعی شد. این بار اما خبرها حاکی از سقوط یک اتوبوس به دره بود. مسافرانی که همه سرباز بودند و در پی آن علاوه بر کاربران شبکه‌های اجتماعی، مسئولان کشورمان، هنرمندان، ورزشکاران و بسیاری از چهره‌های شاخص به این حادثه واکنش نشان دادند. کمپینی هم در فضای مجازی تشکیل شد به نام #سرباز_تسلیت.

برای مثال: عادل فردوسی‌پور هم در واکنش به این اتفاق در هنگام گزارش بازی پرتغال-مجارستان از مردم خواست فاتحه‌ای برای این سربازان قرائت کنند. پرویز پرستویی هم در اینستاگرامش با اشاره به این حادثه نوشت: «۱۹ سرباز و ۲۹ زخمی در یک روز، در دو سانحه رانندگی می‌میرند. اگر این اتفاق در هر جای دیگر رخ

آمارنامه

نگاهی آماری به سربازی

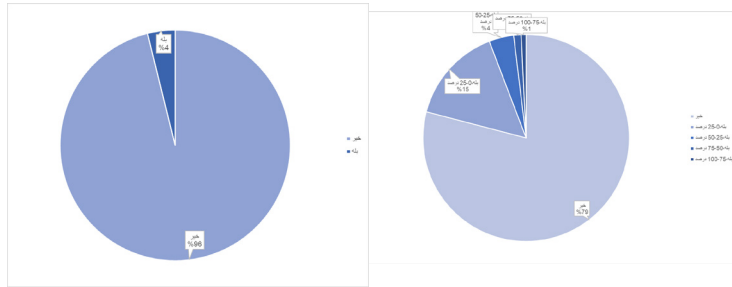
بردیانبوی

ورودی ۹۸ مکانیک



یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های موجود در کشور که جامعه جوانان و دانشجویان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است، سربازی و خدمات اجباری نظامی می‌باشد. لذا به بررسی اهداف، مزایا، معایب و مشکلات و نواقص این پدیده از نگاه مردم می‌پردازیم و همچنین تلاش کرده‌ایم دیدگاه جامعه را در این باب نمایان کنیم. بدین منظور پرسشنامه‌ای با محوریت سربازی ایجاد کردیم که با مشارکت خوب دانشجویان همراه بود، در این پرسشنامه تلاش شد که تمامی موارد مذکور به دقت بررسی شوند.

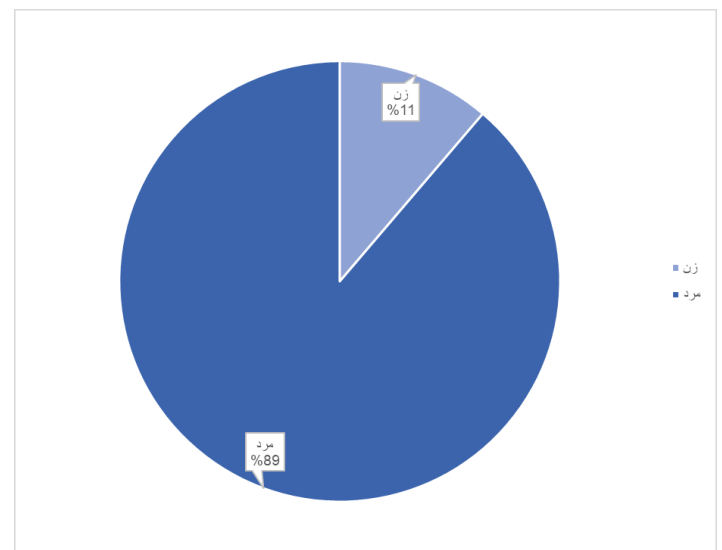
در ادامه داده‌های گردآوری شده به کار گرفته شده‌اند.



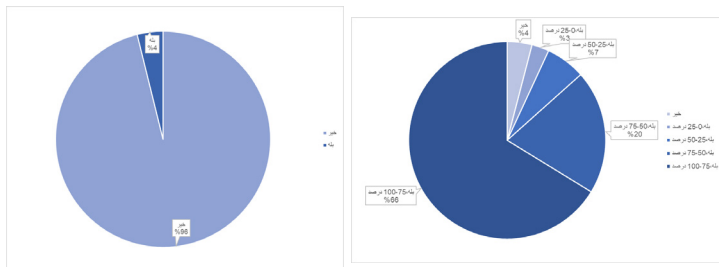
به طور کلی موافق سربازی اجباری با شیوه فعلی هستید؟

آیا سربازی با شیوه فعلی را کارآمد می‌دانید؟ چند درصد؟

یک از نکات حائز اهمیت این است که، نابخردی در حیطه‌ی تصمیمات اجتماعی منتج به زیان‌های جبران‌ناپذیری خواهد شد، که صرفاً در موضوع سربازی محدود به مردان نبوده و خانواده‌ها را نیز دخیل خواهد کرد؛ بر این اساس در جمع آوری داده‌ها، بانوان نیز حضور داشتند و نظرات آنان نیز در کنار دیگر نظرات آمده است؛ گرچه که تنها ۱۱ درصد آمار را تشکیل می‌دهند لکن بسیار باارزش است.



به عنوان دیگر عامل مشوش‌کننده که از دستاوردهای سربازی است می‌توان به اضطراب و نگرانی از آینده شغلی و ورود به عرصه کار نام برد. همگی آگاهییم که دانشجویان پس از اتمام دوران تحصیل خود به دنبال اشتغال هستند لکن پس از فراغت از تحصیل، با سربازی روبه‌رو می‌شوند که خود، سدی در برابر موضوع مذکور است. مخاطبان ما بیان کردند که تنها ۴,۳ درصدشان، آن را مانعی برای ورود به بازار کار ندیدند. علاوه بر آن اکثریت بر این باورند که سربازی نه تنها برای کار بلکه برای کلیت روند زندگی نیز اختلال ایجاد کرده می‌کند.



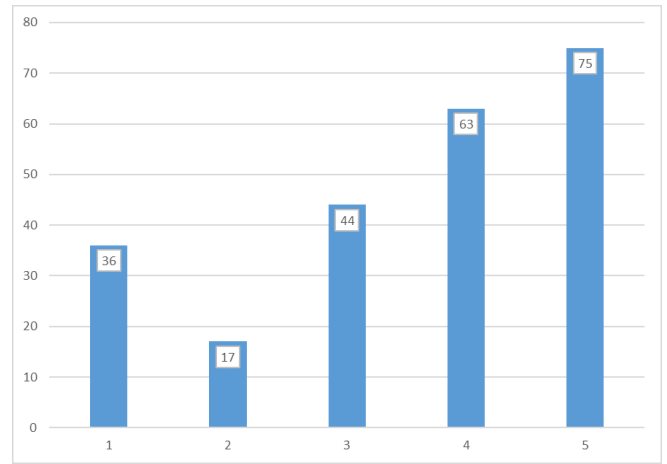
آیا سربازی را مانعی بزرگ برای ورود به بازار کار می‌دانید؟

آیا سربازی در برنامه زندگی شما اختلال ایجاد می‌کند؟ چند درصد؟

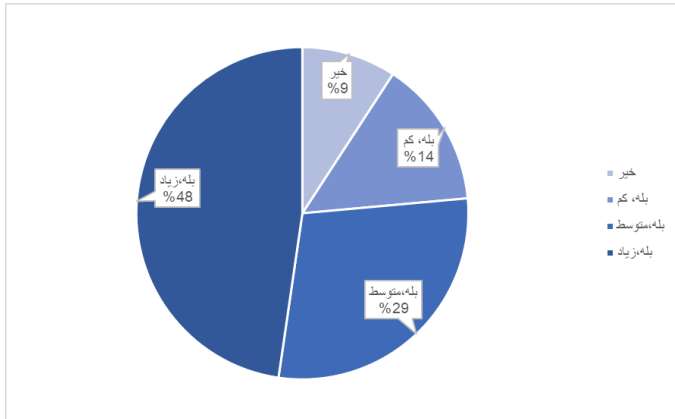
چندی از گریزگاه‌هایی که برای رهایی از سربازی می‌توان به آن‌ها اشاره کرد عبارتند از اخذ معافیت پزشکی و معافیت کفالت و... که در این پرسشنامه به معافیت پزشکی خواهیم پرداخت. یکی از روش‌هایی که مرهمی موقت بر این الم است، ادامه دادن تحصیل است، یکی از اهداف اصلی ورود برخی جوانان به دانشگاه و گذراندن وقت، تعویق سربازی است. طبق اذعانات دانشجویان درصد وسیعی ادامه تحصیل را برای تعویق سربازی برگزیدند.

بر اساس داده‌های پرسشنامه، که جامعه‌ی هدف اصلی آن دانشجویان و افراد فارغ التحصیل بوده‌اند، بالغ بر ۹۵ درصد افراد مخالف با شیوه‌ی برگزاری کنونی سربازی هستند. علاوه بر این بر اساس آمار به دست آمده نه تنها سربازی را مانعی بزرگ برای روند طبیعی زندگی، آینده‌ی شغلی و ورود به بازار کار می‌دانند بلکه ۷۹,۱ درصد از افراد حاضر در پرسشنامه، کاملاً آن را ناکارآمد دانسته و سربازی را تنها راهی برای اتلاف وقت، جلوگیری از رشد فردی و سرچشمه انبوهی از آسیب‌ها دانسته‌اند که در ادامه به کرات به آن خواهیم پرداخت.

امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی دانشجویان مهاجرت تحصیلی است، در این مسیر، علاوه بر گس بودن ترک خانواده و دوستان و مهم‌تر از همه زادگاه، مانع دیگر سربازی می‌باشد که برای مهاجرت، فرد می‌بایست کارت پایان خدمت داشته باشد و یا وثیقه‌ای را گرو قرار دهد که تضمین بازگشتش باشد. به همین دلیل بسیار حائز اهمیت است که بدانیم برای افرادی که قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور و مهاجرت را دارند چه میزان تهیه این وثیقه دشوار است.

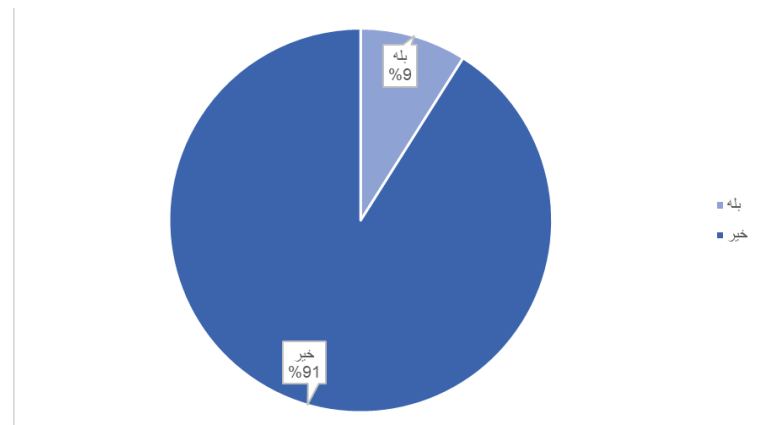


همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برای فرار از سربازی، برخی راه کسب معافیت پزشکی را پی می‌گیرند، ولی برخی قدم را فراتر گذاشته و به بدن خود آسیب‌هایی وارد می‌کنند. بر اساس جامعه‌ی آماری ۱۵۴ نفری این تک پرسش، ۱۴ نفر به بدن خود صدمه وارد کردند تا بتوانند معافیت کسب کنند.



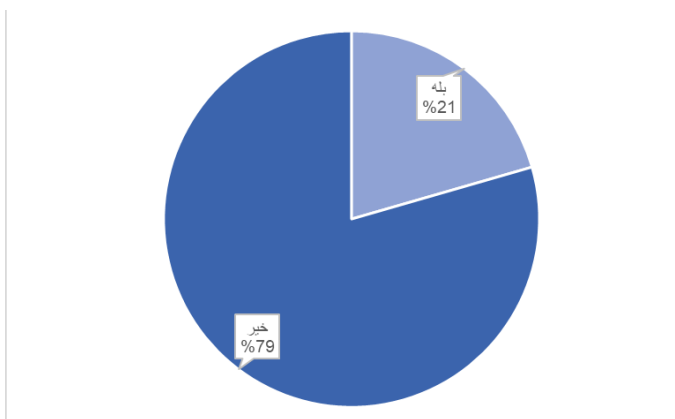
سربازی چه میزان سلامت روان شما را تحت تاثیر قرار داده است؟

با اینکه در بسیاری از کشورها سربازی برای بانوان به صورت اجباری و برای بسیاری دیگر به صورت اختیاری قرار دارد در کشور ما این مسئله هنوز در مرحله طرح و پیشنهاد باقی مانده است در نمودار زیر نظر مخاطبین در مورد سربازی بانوان نمایان شده است.

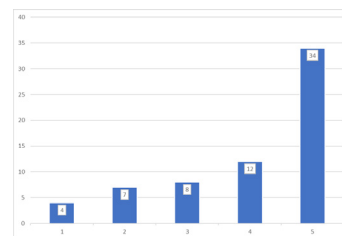


سربازی چه میزان سلامت روان شما را تحت تاثیر قرار داده است؟

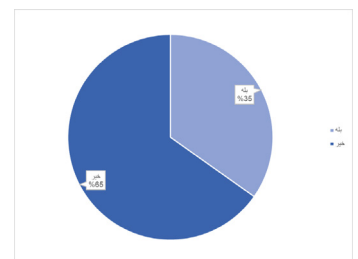
داده‌های این بخش پاسخ افرادیست که سربازی خویش را به اتمام رسانده‌اند.



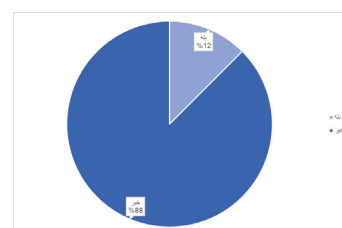
سربازی چه میزان سلامت روان شما را تحت تاثیر قرار داده است؟



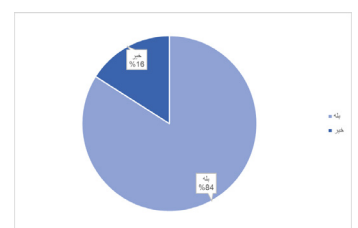
سربازی چه میزان سلامت روان شما را تحت تاثیر قرار داده است؟



آیا حین خدمت سربازی دچار آسیب دیدگی بدنی شده اید؟



آیا سربازی برای شما دستاورد های فردی و اجتماعی خاصی داشته است؟



آیا به دلیل اعزام به سربازی فرصت شغلی، خانوادگی یا... را از دست داده اید؟

در پایان به بررسی تجربیات مکتوب افرادی که این دوره را سپری کرده‌اند و دیدگاه و نظرات افراد برای بهبود این شیوه و نیز راه‌های جایگزین می‌پردازیم همچنین تعدادی از چالش‌هایی که در دوران سربازی تجربه کرده‌اند را بیان می‌کنیم.



به طور کلی باورهای متفاوتی درباره‌ی جو حاکم بر محیط پادگان‌ها وجود دارد. برخی از افراد آن را دورانی مفرح نامیدند و از آن، تحت عنوان یکی از لذیذترین دوران زندگی خویش یاد کردند، در مقابل آن گزارش‌هایی از آزارهای جسمی و روحی توسط مافوقان موجود است. برخی ذکر کرده‌اند که مافوقان سربازان را به «بیگاری» می‌گرفتند همچنین «تحقیر، فحاشی، تخریب روحیه و عزت نفس» از سایر رفتارهایی است که بر جوانان در دوران سربازی تحمیل می‌شود که بی‌شک نقش بسیار زیادی در تخریب و تضعیف روحیه در یکی از بهترین دوران حیات آدمی دارند.

از مهم‌ترین چالش‌های دوران سربازی که از آن‌ها نام برده شده می‌توان به «اتلاف دو سال از عمر در بهترین بازه زمانی زندگی، حقوق ناچیز، فشار بیش از حد، نبود امنیت در مناطق مرزی، تحت شعاع قرار دادن ازدواج و اشتغال، آسیب روحی و افسردگی، عدم فرصت کسب دانش و مهارت در این مدت، اعتیاد، برقراری نظام رمه و چوپان توسط برخی مافوقان در برخی از پادگان‌ها، مانع مهاجرت و ...» اشاره کرد.

تعدادی از پیشنهادات و راه‌های جایگزین سربازی اجباری از نگاه مخاطبین در ذیل آمده است:

- حذف کلی سربازی با وجود پیشرفت نظامی جوامع و ناکارآمدی و بطلان نزاع و دفاع به شیوه سنتی

- اختیاری کردن سربازی و تغییر نقش آن به شغل سربازی حرفه‌ای همچون کشورهای پیشرفته

- عدم استفاده از سربازان در مناطق مرزی به جای عدم استفاده از افسران

- صرف اجبار سپران آموزش نظامی و حذف دوره اصلی

- افزایش حقوق دوره‌ی سربازی و افزایش امکانات رفاهی در پادگان‌ها

- توجه بیشتر به مسائل روحی و جسمی سربازان

- امریه و پروژه

- تقلیل مدت

کنون با توجه مطالب و داده‌های ذکر شده بی‌شک تعداد زیادی از ابعاد روحی و اجتماعی سربازی را از نگاه مردم بررسی کرده‌ایم. اگر چه امید به اصلاح تمام موارد امیدی است واهی، اما امیدواریم که بخشی از این مطالب مورد اثر واقع شود و این شیوه تحکم و جبر نه تنها از خدمت سربازی بلکه از تمام ارکان کشور حذف شود.



نظام وظیفه، بخش قابل توجهی از بار اقتصادی خانواده را به دوش می‌کشند. چنین مواردی به‌طور معمول در خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که مردان از کار افتاده و زنان خانه‌دارند و به‌طور معمول والدین توانایی و مهارت لازم برای عهده‌داری بار اقتصادی خانواده را دارا نبوده یا فرد مشمول پیش از اعزام به خدمت متأهل شده و با توجه به عرف و هنجارهای جامعه ایرانی عهده‌دار بار اقتصادی خانواده شده که با توجه به اعزام به خدمت فرد موردنظر و دریافت حقوقی به‌مراتب پایین‌تر، قدرت خرید خانوارهای مذکور را تقلیل می‌بخشد.

از دیگر موضوعات حائز اهمیت جامعه ایرانی و برنامه‌ریزی شهری، آن‌که ما به‌طور معمول با پدیده‌ای تحت عنوان بالاشهر و پایین‌شهر مواجه هستیم که سبب جدایی اقشار مختلف جامعه از یک‌دیگر در زندگی شهری می‌شود اما در دوران سربازی، پسران به‌ناچار ملزم به تعامل با دیگر اقشار مردم می‌شوند که این مهم می‌تواند مزایای اجتماعی را برای آنان در پی داشته‌باشد. دلیل این مهم را می‌توان در آموزش حضوری یا Tacit Knowledge جست‌وجو کرد، این شاخه از دانش را می‌توان در برگیرنده موضوعاتی دانست که به‌سختی می‌توان با نگارش یا بیان آن، به انتقال‌شان به مردم یاری رساند؛ از همین روی نیازمند تعامل هرچه بیشتر با مردم است که از نمونه‌های این نوع از دانش می‌توان به دانش مدیریت، درک زبان بدن، توانایی صحبت کردن به دیگر زبان‌ها، برخورد اجتماعی با سایرین و... اشاره داشت. خدمت نظام وظیفه را از این حیث می‌توان فرصتی برای درک هرچه بیشتر این مهم و بهره‌مندی از این نوع دانش پرشمرد که این فرصت نیز تنها محدود به پسران است و طبعاً سبب افزایش قدرت ارتباط و تعامل پسران با سایرین و علی‌الخصوص در محیط کار می‌گردد.

با توجه به موارد یادشده می‌توان چنین گفت که طبعاً دغدغه آکادمیک و کاری حائز اهمیت بوده و بعضاً می‌تواند سبب بازماندن یا عقب‌افتادن مشمولان نظام وظیفه شود و در برخی از موارد این پیامدها محدود به سربازان نبوده، والدین و همسر آنان را نیز شامل می‌شود. از دیگر سو می‌توان چنین پنداشت که به‌دلیل تعامل با گروه‌های مختلف مردمی در این دوران، مهارت‌های ارتباطی مشمولان فزونی یافته و می‌تواند به نقطه قوتی در تعاملات آتی آنان بدل گردد.



سپهر استیری

پژوهشگر اقتصادی



خدمت؛ مسئله این است

یکی از موضوعاتی که از دیرباز اذهان پسران ایرانی را به خود مشغول کرده و طی سالیان اخیر بارها و بارها دست‌مایه شعارهای کاندیداهای انتخاباتی شده‌است، خدمت نظام وظیفه یا همان سربازی است. اما نباید از یاد برد که هر چیزی می‌تواند دارای جوانب مثبت و منفی اجتماعی باشد و چه‌بسا یکی از جوانب یادشده بر دیگری سنگینی کند. ولی در این نوشتار درصدد اندازه‌گیری جوانب مختلف خدمت نظام وظیفه نخواهیم بود، چراکه این مهم می‌تواند در شرایط متفاوت و برای انسان‌های مختلف، پاسخ‌های متفاوتی را نیز در پی داشته‌باشد. از همین روی در ادامه به بررسی خدمت نظام وظیفه از دو بُعد اقتصادی و اجتماعی خواهیم پرداخت.

یکی از دغدغه‌های مشمولان نظام وظیفه، فاصله زمانی است که به‌واسطه خدمت سربازی میان تحصیل یا کار آنان ایجاد می‌شود. این فاصله زمانی نه‌تنها می‌تواند سبب از دست‌دادن برخی از موقعیت‌های شغلی و آکادمیک گردد، بلکه می‌تواند با وقوع پیشرفت‌هایی در این میادین، سبب از دست‌دادن موقعیت‌های قبلی و تنزل جایگاه آنان نیز شود. در همین رابطه اشاره به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که به گواه برخی از تحقیقات، آموزش و تکنولوژی نقشی مکمل را در بازار کار ایفا می‌کنند (Comple-mentarity of Technology Adoption and Schooling Decision) و این مهم زمانی برای افراد از جمله مشمولان نظام وظیفه حائز اهمیت می‌شود که دریابند مباحث فنی یا علمی در حوزه فعالیت یا رشته تحصیلی آنان به‌سرعت در حال تغییر است و این وقفه زمانی می‌تواند موجب عقب‌افتادگی آنان از بازار کار شود.

اما مشکلاتی از این دست می‌تواند با برداشتن پروژه‌های تحقیقاتی و یا فعالیت به‌عنوان امریه در یکی از ارگان‌های دولتی در دوران خدمت به حداقل ممکن تقلیل یابد، اما نباید از یاد برد که چنین شرایطی برای همگان فراهم نیست. از دیگر سو ارگان‌های نظامی نیز می‌توانند با بهره‌گیری از سربازان دارای مهارت و دانش آکادمیک در حوزه‌های مرتبط، به افزایش تجربه آنان یاری رسانده و خود نیز از آنان بهره‌مند شوند اما این مهم نیز با محدودیت‌هایی همراه است و نمی‌توان انتظار داشت برای تمامی رشته‌ها از جمله ریاضی، مدیریت و... مشاغل مرتبط یافته و یا اشتغال ایجاد کرد.

در همین راستا باید خاطر نشان کرد که اهمیت اشتغال صرفاً به فعالیت در حوزه مرتبط، کسب تجربه و بازماندن از دانش روز نیست، بلکه در برهه‌هایی و در میان برخی از اقشار، جوانان مشمول

جواد جهانگیری

ورودی ۹۶ مکانیک



وآن جسم را احمد نامیدند

«و نوح را گفتیم که مباد دل بستگی زن و فرزند تو را از انجام مأموریت باز دارد.»

عذاب از درون رگ‌های احمد جوشید. خون شد، گرفت پادگان را. حال نوبت من است. که بر بلند ایستاده‌ام و می‌بینم خورش را. در جلوی چشمانم در تلاطم و شن‌ها که می‌خندند.

حال نوبت من است، منی که خودم هم احمدم و این قطار مرگ هر روز می‌آید که احمدها یکی یکی بروند و آب هم از آسیاب تکان نمی‌خورد. و شاید فردا هم یکی مرا لای سیم‌خاردها پیدا کند، احمد نیازی، رسولی، محمدی، چه فرقی می‌کند؟ دارم جرئت پیدا می‌کنم که دستمال در دهانم بچپانم، باز می‌ترسم، از غلاف سرنیزه‌ام می‌ترسم که می‌خندد. و خنده‌اش گم می‌شود در نارنجی آسمان و در هیاهوی بادهای شنی.

احمد رسولی، جنسیت مرد، علت مرگ: نامشخص.

همان که بسیار دوستش داشتیم.

و کسی چه می‌داند که احمد مرد مُرد یا...؟

آسمان سرخ است، پادگان و مردهایش در غلظت گم‌اند، سرنیزه‌ام نمی‌خندد و دیگر بخواهم هم صدایم را کسی نمی‌شنود.

«منی خواهم مرد باشم».

پن: هر ساله در کشورمان شاهد خودکشی «احمد»هایی هستیم که قربانی این ساختار به اصطلاح مردپرور سربازی‌اند، مشکلاتی همچون دوری از خانواده و غربت، مأموریت‌های سخت و صعب که به بهانه‌هایی همچون مرد شدن، خدمت به خلق و مملکت، به مردان سرزمین‌مان تحمیل می‌شود؛ این سختی‌ها معمولاً منجر به کشیده شدن جوانان به اعتیاد، بیماری‌های روحی روانی و در نهایت گاهی خودکشی می‌گردد.

آنچه که شایسته است، اگر واقعاً قائل به برپایی نظام تفکر و برابری جنسیتی هستیم، بایستی مانند بسیاری از کشورها، این اجبار از دوش مردان برداشته شود و این فضای رعب و وحشت که در اذهان عمومی جوانان ایجاد شده، از بین برود.

نکته پایانی که باید به آن اشاره شود، کلیشه‌های اشتباهی همچون همین مرد شدن است که ناشی از دیدگاه و تفکر عده خاصی از افراد هست و آنچه که ناپسند است، تحمیل این تفکر خاص به عموم جامعه است چرا که آنچه باعث پیشرفت یک جامعه در عرصه‌های گوناگون است، استقرار نظام تفکر و تضریب آرا و فضای باز برای همه‌ی دیدگاه‌هاست چرا که در این فضا، می‌توان به حصول به یک قانون درست و منطقی دل بست.

و این را نمیدانم کی، ولی هر وقت خواندی، در ذهنت جوجه اردک زشت را به خاطر بیاور؛ اما نه انتهای قصه‌اش را. اینجا سفیدی نیست و من نیز قویی زیبا نخواهم شد. محصور در میان شن‌ها و تا چشم کار می‌کند، بیابان، من، خیال و باز هم بیابان. اینجا همه مردند و من نیز، به ناچار شده‌ام. می‌دانی بیشتر بحث زیست‌شناسی ست تا انسانیتش.

و اینجا مرا احمد می‌نامند. در شناسنامه‌ام هم. میدانی یک عده کافست که یک ثبت احوال بروند و بشوند خسرو یا رضا، نمی‌دانم. اما احمد نبودن تیغ می‌خواهد و بیهوشی. خرج دارد و جنگیدن با هر که می‌ترسد بزرگ فکر کند، من نیز ترسیدم، قربانی شدم و این جبر است هم در جغرافیا، تاریخ و لابد همان تعلیمات مدنی هم که بنفش بود و همه‌اش متغیر بودیم. حال همه چیز باز می‌گردد به اینجا، اینجا که ایستاده‌ام و احمد نیز بود. شن‌ها، این شن‌های لعنتی، طوفان نزدیک است.

همینجا ایستاده بود، همانی که بسیار دوستش می‌داشتیم. سر صبح، که آسمان به سرخی زد آدمم همینجا، نبود، صدایش کردم. هوا که روشن شد لای سیم‌خاردها بود، سگ‌ها به دورش، جیغ کشیدم، شلیک کردم به آسمان. احمد صورت نداشت.

آن روزش تا غروب بازجویی بود و حبس. ترسیده بودم. گریه‌ام گرفته بود، معذب بودم در میان این همه مرد. در میان این همه غریبه که مرا از خودشان می‌دانستند در جنس، در نگاه و من، حیا شده بود چادری که سرتاپایم را چنگ میزد. منی که تنم می‌لرزید وقتی که در اتاق بازجویی تنها می‌شدم. از بوی سکوتش، عرق‌های بر جبین بازپرس، از لامپی که در صورتم بود. تاریکی، نور دریده‌ی در چشمانم و پشه‌های کور که می‌کوبیدند در صورتم.

منی که احمد جلوی چشمانم لخت و عور افتاده بود و باید میگفتم که آری خودش است، این میت، این میتی که بر روی شرمگاهش پارچه انداخته‌اید، همان محبوب من است که صورت ندارد. منی که دلش را نداشتم موش مرده‌ای را با خاک انداز کنج حیاط بیندازم، محکوم شده بودم به دیدن؛ دیدن صورت نداشته‌اش، کمرش که دریده شده مثل پوتین کهنه‌ایی که دهن باز کرده و آن پارچه‌ی برآمده.

بازپرس عکس‌هایش را پرت کرد سمتم، عکس‌های خیسش را. کنده کاری بود، پر خون، مثل زخم‌های خشک شده: «تمی‌خواهم مرد باشم». انگار نستعلیق بود یا ثلث، نقطه نداشت. احمد خط می‌دانست؛ می‌نوشت روی قوطی تاید، روی شن‌ها، روی پوست زمین. حال پوست خودش، که خون بجوشد که دیگر جوهر نخواهد، جوهر از زیر خاک قل می‌زند، می‌جوشد، از تنور رگ‌هایش، و آن نشانه‌ی عذاب بود.

«و نوح را گفتیم که طوفان از تنور خانه‌ات آغاز خواهد شد و این نشانه‌ایست از برای تو و بندگان».

احمد نمی‌خواست و من هم. فرقی این بود که من با سرنیزه‌ام روی دستم ننوشتم اما او...

بازپرس می‌گفت دستمال در دهانش بود که فریادهایش بقیه را خبر نکند، احمد چنین مردی بود. و لابد در آخرین لحظاته‌ش هم همین شن‌ها بودند که با او وداع کردند، همین‌هایی که می‌آیند که شاید مرا هم با خود ببرند، احمد گریخت به بلندترین نقطه، بر دکلی که نجات یابد. که شن‌ها مدفونش نکنند.

سید مهدی حسینی

ورودی ۹۷ نفت

غول معافیت



پزشکی برای مشمول کمیسیون برگزار می کنند تا ببینند معافیت پزشکی به فرد مشمول تعلق می گیرد یا خیر

مشمولان مبتلا به بیماری های عمومی با توجه به نوع بیماری که به آن مبتلا می شوند، از معافیت های مندرج در هر بند به شرح زیر برخوردار می شوند

بند ۱- عدم کفایت رشد و نمو جسمی و عضلانی کافی که موجب ناتوانی در انجام تکالیف نظامی می شود، نه معافیت دائم

بند ۲- ابتلا به بیماری های قابل علاج که مدت درمان آن ها بیشتر از یک ماه باشد و همچنین اعمال جراحی و کسانی که در دوران نقاهت بیماری هستند، با تشخیص شوراهای پزشکی از ۶ ماه تا یک سال معاف موقت

بند ۳- پایین افتادگی احشا توأم با اختلالات عملی معاف دائم تبصره: نوع خفیف - معاف از رزم

بند ۴- اگر طول قد مشمولان کم تر از ۱۵۰ سانتی متر باشد، از معافیت دائم برخوردار می شوند

بندهای بالا مختص بیماری های عمومی است و انواع دیگر معافیت پزشکی به تفصیل و در هفده بخش در آیین نامه معافیت پزشکی آورده شده است

همچنین اگر فرد مشمول وظیفه ای در شورای پزشکی معاف شناخته نشود، می تواند به رأی شورای پزشکی و یا به نظریه تخصصی اعتراض کنند و اظهار نظر در مورد معافیت پزشکی فرد مشمول وظیفه توسط شورای پزشکی صورت می گیرد و اگر مشمولان به رأی شورای پزشکی اعتراض داشته باشند، ثبت درخواست اعتراض از طریق دفاتر پلیس +۱۰ صورت می گیرد و پرونده وی در شورای عالی پزشکی مطرح خواهد شد

البته مشمولان در نظر داشته باشند که مطابق تبصره، مشمولان یک هفته پس از ثبت رأی به مدت ۱۰ روز حق ثبت اعتراض به رأی شورای پزشکی را دارند و چنانچه پس از معرفی مشمول به بیمارستان و طرح پرونده در شورا، او سرباز شناخته شود، مشمولان باز هم می توانند به رأی شورا اعتراض کنند و در این صورت نیز، پرونده به شورای عالی پزشکی فرستاده خواهد شد

فرد مشمول، همین که به سن مشمولیت می رسد، باید خود را برای سربازی معرفی کند و هر چه زودتر اقدام به گرفتن دفترچه ای اعزام به خدمت کند تا وارد غیبت نشود زیرا در این صورت نه می تواند معاف شود و نه می تواند از امریه سربازی استفاده کند.

انواع معافیت های سربازی و شناخت راه های معافیت، یکی از مسائل مهم و اساسی در سرنوشت و زندگی پسرهای کشورمان است. چراکه عموماً می شنویم که این دو سال، بخش مهمی از زمان طلایی زندگی را می گیرد و در حقیقت دو سال از زندگی تلف می شود. هرچند می گویند سربازی پسر را مرد می کند اما خیلی ها ترجیح می دهند این گونه مرد نشوند و می خواهند از هر طریقی که می شود به معافیت برسند و این راه مرد شدن را برای همان دسته باز بگذارند

نکته این جاست که همه تا حدودی در جریان راه هایی برای معافیت از سربازی هستند اما نمی دانند کدام یک به درد آن ها می خورد یا کدام یک از مسیرهایی که شنیده اند، طبق قوانین جدید حذف شده یا چه موارد جدیدی به قوانین افزوده شده است. برای پیدا کردن بهترین مسیر معافیت لازم است انواع معافیت های سربازی را به خوبی بشناسیم

انواع معافیت های سربازی شامل چه مواردی است؟

مهاجرت تحصیلی

معافیت ایثارگری برای افراد متقاضی واجد شرایط

معافیت موارد خاص برای افراد متقاضی واجد شرایط

معافیت پزشکی برای افراد متقاضی واجد شرایط

معافیت تحصیلی برای افراد متقاضی واجد شرایط

معافیت پروژه کسری خدمت برای افراد متقاضی واجد شرایط

معافیت تعهد به خدمت برای افراد متقاضی واجد شرایط

معافیت مشمولان مددجو با حمایت کمیته امداد

معافیت کفالت برای افراد متقاضی واجد شرایط

معافیت بخشودگی سنی

معافیت بنیاد ملی نخبگان

معافیت پزشکی

فرد مشمول ابتدا به پلیس +۱۰ برای دریافت دفترچه خدمت سربازی مراجعه می کند. سپس توسط پزشک مورد معاینه اولیه قرار می گیرد، پس از آن به بیمارستان برای معاینات دقیق رجوع می کند. سپس با ارائه مدارک لازم و شرایط مورد نظر به کاربر پلیس +۱۰ ثبت نام می کند. بعداً در شورای



لازم به ذکر است مشمولان به رأی شورای عالی پزشکی نمی‌توانند اعتراض کنند، چراکه رأی شورای عالی پزشکی قطعی و لازم‌الاجراست.

مراحل دریافت معافیت ایثارگری

فرد مشمول با داشتن شرایط معافیت ایثارگری می‌تواند - اقدام به دریافت آن کند. به این صورت که از بنیاد شهید برگه‌ای را که نشان می‌دهد که فرد یا پدرش جان‌باز است و یا دارای چه درصدی از جان‌بازی است، سپس به‌همراه دیگر مدارک لازم از جمله همراه داشتن عکس به پلیس +۱۰ تحویل می‌دهد تا دیگر مراحل ثبت‌نام را آغاز کند.

معافیت ایثارگری در هفت گروه معافیت ایثارگری از نوع فرزند شهدا و جاویدالآثر، معافیت ایثارگری از نوع برادر ایثارگر، معافیت ایثارگری از نوع فرزند جان‌بازان و رزمندگان، معافیت ایثارگری از نوع فرزندان جان‌بازان ۱۰ درصد، معافیت ایثارگری از نوع فرزندان جان‌بازان ۲۵ درصد، معافیت ایثارگری از نوع فرزندخوانده جان‌بازان، معافیت ایثارگری از نوع فرزندان آزادگان، دسته‌بندی می‌شود که می‌توانید به تفصیل اطلاعات هر کدام را بررسی کنید.

مراحل دریافت معافیت موارد خاص

این معافیت همان‌طور که از اسمش معلوم است، برای افراد خاص است؛ به‌عنوان مثال کسانی که در خانواده یک عضو معلول دارند. متقاضی با داشتن شرایط و به‌همراه داشتن مدارک به پلیس +۱۰ مراجعه کرده و با ارائه مدارک مربوطه ثبت‌نام می‌کند. پس از بررسی‌های لازم توسط کارشناسان نظام وظیفه، کارت معافیت متقاضی به نشانی وی ارسال می‌شود.

مراحل دریافت معافیت تحصیلی

این نوع معافیت نیز انواع گوناگونی دارد. برای دریافت این معافیت، فرد مشمول وقتی به سن ۱۹ سالگی می‌رسد، به دفتر پلیس +۱۰ مراجعه می‌کند. پس از دریافت معافیت تحصیلی به مرکز آموزشی محل تحصیل خود، مدرک مربوط به معافیت تحصیلی را ارائه می‌دهد.

مراحل دریافت معافیت بخشودگی سنی

طبق این قانون افرادی که تا سن ۵۰ سالگی هنوز به خدمت نرفته‌اند، معاف می‌شوند و شناس‌نامه آن‌ها برای اخذ مدرک معافیت سربازی کافی است. اما اگر به فکر معافیت از این راه هستید، باید بگوییم بدترین را انتخاب کرده‌اید، به این فکر کرده‌اید تا سن پنجاه‌سالگی را بدون کارت معافیت چگونه می‌خواهید زندگی کنید؟ در طی این سال‌ها نمی‌توانید از کشور خارج شوید، هم‌چنین برای استخدام در بسیاری از ارگان‌ها به مشکل برمی‌خورید، پس این راه را از ذهن‌تان

خط بزنید

مراحل دریافت متأهل بودن

این نوع از انواع معافیت‌های سربازی نیز در واقع تنها می‌تواند خدمت سربازی را چند ماه کوتاه‌تر کند. طبق این قانون سربازان متأهل کسر خدمت نمی‌گیرند و فقط به‌ازای هر فرزند می‌توانند سه ماه کسر خدمت دریافت کنند.

مراحل دریافت معافیت بنیاد ملی نخبگان

طبق این قانون افرادی که در بنیاد ملی نخبگان عضو باشند و پروژه‌ای پژوهشی و تحقیقاتی تحویل دهند، می‌توانند از خدمت سربازی معاف شوند. البته این قانون دارای شرایط خاص نخبگی است که برای دریافت معافیت باید به‌طور کامل از شرایط آن آگاه باشید.

مراحل دریافت معافیت تعهد به خدمت

هم‌چنین یکی دیگر از شرایط اخذ انواع معافیت‌های سربازی این است که فرد جهت کار در سازمان‌های دولتی تعهد و ضمانت دهد. این نوع از معافیت به این صورت است که فرد متعهد می‌شود به‌جای خدمت در یکی از ارگان‌های دولتی مانند: تربیت معلم، آموزش و پرورش، قوه قضاییه، سازمان هواپیمایی، سازمان کشتی‌رانی، وزارت بهداشت یا سازمان نیروهای مسلح استخدام شود و بعد از گذراندن سهمیه موردنظر، هر کدام از ارگان‌ها برای دریافت کارت معافیت به سازمان نظام وظیفه مراجعه نمایند.

انواع معافیت کفالت خدمت سربازی شامل چه مواردی است؟

انواع معافیت کفالت خدمت سربازی، موضوع این بخش از مقاله است که می‌خواهیم به‌طور مفصل به آن بپردازیم. معافیت کفالت هم مانند معافیت‌های دیگر انواع مختلفی دارد.

انواع معافیت کفالت خدمت سربازی به‌صورت زیر است

مشمولی که پدر نیاز به نگهداری دارد. سن پدر ۷۰ به بالا باشد
مشمولی که پدرش فوت کرده و فرد تنها سرپرست و نگهدارنده خانواده است

مشمولی که سرپرستی خواهرش را بر عهده دارد

مشمولی که از مادر بزرگ و پدر بزرگش نگهداری می‌کند

مشمولی که از برادران معلول خود مواظبت می‌کند

مشمولی که به‌خاطر از دست دادن همسرش، نگهداری فرزندانش را بر عهده دارد

اگر پدری در حین انجام خدمت سربازی فوت کند، پسرش می‌تواند معافیت بگیرد و اگر برادری در طول خدمت فوت کند، یکی از برادرانش می‌تواند معاف شود

سیده سبافقه

ورودی ۹۴ مکانیک



معولیت، زنان، سربازی

درمی آورند. افراد دیگری پس از ازدواج برای کسب معافیت با سواستفاده از معولیت زن اجازه‌ی ازدواج دوم را از دادگاه دریافت می‌کنند و تعهدی برای حفظ شأنیت همسر اول ندارند

کالانگاری: این قانون زنان دارای معولیت را به عنوان ابزاری برای رسیدن به معافیت تعریف کرده است. یکی از مسئولین بهزیستی هدف از وضع این قانون را نه فقط وجود افرادی برای کمک، بلکه بالا بردن آمار ازدواج دختران دارای معولیت می‌داند. یعنی تلاش قانون‌گذار نه در راستای فرهنگ‌سازی و تصحیح نوع نگاه جامعه به این افراد که بالعکس در راستای پذیرش این نگاه بالا به پایین است. تفکری که ازدواج با فرد دارای معولیت را نه یک ازدواج عادی که ازدواجی شایسته پاداش و هدیه می‌داند

تثبیت موقعیت فرودستچندین سال است که وضع قوانین برای حمایت از افراد دارای معولیت در دستور کار کشورها قرار گرفته است اما مطابق با کنوانسیون‌های جهانی حمایت از معلولان، این قوانین باید در جهت توانمند کردن و تلاش برای هرچه بیشتر مستقل کردن این افراد باشد در حالی که این قانون در جهت عکس عمل می‌کند و فرد را به سوی وابستگی سوق می‌دهد

زن دارای معولیت در این ازدواج به خاطر به رسمیت شناخته شدن ماهیت وابستگی‌اش در رابطه‌ای نابرابر در نقش فرودست قرار می‌گیرد و همین مسئله راه را برای اعمال خشونت علیه او باز می‌گذارد. بنا بر اعلام کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، زنان دارای معولیت تا چهار برابر بیشتر از دیگر زنان قربانی خشونت خانگی می‌شوند

با وجود همه این مسائل، در موقعیت کنونی که قوانین حمایتی دیگری در این حوزه در کشور وجود ندارند یا در صورت وجود اجرا نمی‌شوند، حذف ناگهانی این قانون هم ممکن است صدمات زیادی به دنبال داشته باشد و در صورت وجود همتی برای تغییر، بهترین کار اصلاح و تنظیم قوانین مکمل در این زمینه با توجه به نظر متخصصان است

مسئله سربازی اجباری و آسیب‌های آن برای مردان بسیار گسترده است اما جالب این است که گستره آسیب‌ها آن‌قدر پیش رفته که زنان، افراد دارای معلولیت و ... را هم در بر می‌گیرد

ماده ۴۴ مکرر قانون وظیفه عمومی تحت عنوان معافیت مددجویان آورده

معافیت مشمولانی که با بانوان دارای معلولیت جسمی - حرکتی ازدواج کنند: مشمولانی که با بانوان معلول ازدواج می‌کنند از معافیت موقت ۵ ساله استفاده و در صورت استمرار ازدواج پس از اتمام ۵ سال از معافیت دائم برخوردار می‌شوند

برای بهره‌مندی از این معافیت، معلول باید تحت پوشش بهزیستی باشد

با عنایت به اینکه برابر تبصره ماده «۱» قانون حمایت جامع از حقوق معلولان، معلولیت در سه حوزه جسمی، ذهنی و روانی دسته بندی شده است، منظور از معلولیت جسمی - حرکتی وجود معلولیت در حوزه‌های جسمی (ارتوپدی، جراحی مغز و اعصاب و ...)، بینایی، شنوایی و گفتاری می‌باشد و معلولیت‌های ذهنی و روانی در این نوع معافیت ملاک رسیدگی نخواهند بود. (بیماری‌های ذهنی و روانی به تنهایی شامل معافیت نمی‌شوند)

طبق این قانون مردانی که با زن دارای معلولیت ازدواج می‌کنند مشمول معافیت از سربازی می‌شوند. این قانون با استناد به ماده ۶ قانون بهزیستی برای حمایت از معلولین جسمی - حرکتی وضع شده است

وضع قوانین حمایتی برای افراد دارای معلولیت و خانواده‌های آن‌ها خصوصا در کشوری مانند ایران که زیرساخت‌های موجود برای رشد آن‌ها وجود ندارد و حتی حضورشان در خیابان‌های کشور سخت یا بعضا غیرممکن است بسیار ضروریست. معافیت‌های موجود برای خانواده‌های آن‌ها از این حیث بسیار حائز اهمیت هستند

اما انتقادهای مطرح شده به این قانون چه هستند؟

سواستفاده: با جست‌وجوی کلیدواژه معافیت سربازی در اینترنت به متن‌های زیادی می‌رسیم که ازدواج با دختران معلول را بهترین راه فرار از سربازی توصیف می‌کنند. برای جلوگیری از سواستفاده از این قانون و ثبت ازدواج‌های صوری، تبصره معافیت موقت را به قانون اضافه کردند، به صورتی که فرد تا پنج سال بعد از ازدواج معافیت موقت دریافت می‌کند و در صورت طلاق گرفتن باید به سربازی اعزام شود و تنها بعد از گذشت پنج سال از ازدواج، معافیت دائم را دریافت می‌کند. با این حال راه سواستفاده از این این قانون بسته نیست. بسیاری افراد کم بضات دختران خود را در ازای دریافت مبلغی پول به عقد مردان متقاضی معافیت



اجبار نامقدس

علی ضیغمه نژاد

ورودی ۹۵ هوافضا

اگر اصل سربازی را تایید کنیم ایده آل ترین شکل سربازی به نظر شما چیست؟ و چه مرحله برای رسیدن به آن باید طے کرد؟

اگر اندیشه رضا شاهی داشته باشیم اساساً سربازی به چیز دیگری تبدیل می‌شود. اگر به سمت ساختار جمهوری حرکت کنیم و سرباز به شهروند تبدیل شود، خدمت سربازی شکل دیگری می‌گیرد. خدمت عمومی داوطلبانه در نهادهای عمومی برای منافع عمومی. اصل مسئله اینجاست که ما در ایران نهاد عمومی نداریم و تنها یک سری نهادهای دولتی داریم. برامثال اول انقلاب دوره سربازی را از دو سال به یک سال کاهش دادند. انقلابیون دیدگاه شاه را مورد انتقاد قرار داده و دو سال را به یک سال تبدیل کردند. جنگ که شروع شد دوباره سربازی تبدیل شد به دو سال و همان‌طور هم باقی ماند یکی از سوالات مهمی که اینجا مطرح می‌شود که چرا حتی بعد از جنگ، طول دوران سربازی دو ساله ماند؟

فضای نظامی که به صورت اضطراری ایجاد شد چرا تمدید شد؟

فضای نظامی فقط در سربازی تمدید نشده بلکه در خیلی از جاهای تمدید شد و این بحث، بحث مهمی است. ساختار فعلی، سربازی را می‌خواهد و خیلی اتفاقات اساسی باید صورت بگیرد. نیرهای مسلح به لحاظ نیروی کار به سرباز تکیه کرده‌اند و اخیراً هم اعلام داشته‌اند که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اساسی نیروی کار ارزان، به صورت سرباز است. سربازی یک پروژه فرهنگی اجتماعی است و هیچ جنبه نظامی ندارد. هیچ ربطی به آموزش نظامی ندارد حتی پینت بال از سربازی یادگیری نظامی بیشتری دارد. فضای پادگان‌ها فضای سربازی و عملیاتی نیست. در واقع سربازی در پوشش نظامی گری، یک پروژه فرهنگی اجتماعی است. برای مثال خیلی‌ها در دوره سربازی چاق شده‌اند و از لحاظ بدنی از بین می‌روند. یکی از نقدهایی که من درباره سربازی نوشتم و باعث اضافه خدمت شد همین مورد بود که هیچ آموزش نظامی وجود ندارد.

درباره سربازی نخبگان صحبت کردیم اگر امکان دارد به صورت جزئی‌تر وارد این مقوله شویم

اسماً دو سال سربازی به ۱۴ ماه تبدیل می‌شود و بعداً هم پروژه تعریف می‌شود، سرباز نخبه هیچ حقوقی برایش تعریف نشده در حالی که سرباز سنتی دو حقوق اولیه دارد؛ اول آنکه از لحظه‌ای که اعزام می‌شود به صورت روز شمار از زمان سربازی‌اش کم می‌شود در حالی که نخبه وظیفه از این حق بهره‌مند نیست و حتی اگر مدت‌ش ده سال شود هیچ اهمیتی ندارد در حالی که

محمد حسین بادامچی، مدیر اندیشکده مهاجر، ورودی سال ۸۴ کارشناسی دانشگاه شریف بوده و در سال ۹۵ در رشته جامعه‌شناسی در مقطع دکتری فارغ‌التحصیل شده است. گذراندن دوران سربازی در بنیاد ملی نخبگان، بهانه‌ای شد تا به سراغ او برویم تا اطلاعاتی پیرامون سربازی نخبگان و چالش‌های مربوط به آن کسب کنیم.

سربازی در ایران به شکل اجباری و فقط به صورت نظامی انجام می‌شود، از دیدگاه شما گذراندن سربازی به این



وقتی می‌خواهیم درباره سربازی صحبت کنیم نمی‌توانیم موضوع را به صورت ساده و سطحی بررسی کنیم. اصل پدیده سربازی و ماهیت آن را باید درک کنیم. این که از کجا آمده و چرا در ایران تا این حد مهم شده است. اصل سربازی به دوران رضا شاه برمیگردد و تلقی رضا شاه از دولت-ملت‌سازی که انجام می‌داد و دو بعد اساسی داشت: ۱. نقش مهم ارتش و قوای نظامی به عنوان پایه شکل‌گیری دولت-ملت‌ها که بعد از انقلاب هم ادامه پیدا کرد. ۲. رضا شاه معتقد بود ما شهروند نمی‌خواهیم بلکه سرباز می‌خواهیم. اساساً تفکر دولت-ملت‌سازی در آن دوره این بود که ملت برای اینکه از عقب ماندگی فکری و فرهنگی خارج شود، راهش این است که سرباز شوند. رضا شاه بهترین وضع مردم و جوانان را وضع خدمت میدانست. در این تعبیر از شهروند خبری نیست و به جای آن سرباز داریم. ممکن است این سوال ایجاد شود که چرا زنان معاف از خدمت هستند. در تلقی دولت-ملت‌ها که قبل تر اشاره شد این که زنان معاف از خدمت هستند به این معنی است که در واقع از خدمت محروم هستند! اجرای دولت-ملت‌سازی یک موضوع کاملاً مردانه است و در این تعبیر زنان محل بحث نیستند.

از نظر شما سربازی به شیوه فعلی ادامه همان تفکر است و یا بر حسب عادت این روند ادامه پیدا کرده است؟

در واقع ترکیب هر دو است. عادت یک سری الگوهاست که از دوره رضاشاه پایه ریزی شده و ادامه داشته‌اند. این الگوها کاملاً بعد از انقلاب هم مورد تایید بوده‌اند. هم نقش نیرهای نظامی در حاکمیت خیلی مهم بوده است و بیشتر هم شده و هم نگاه سرباز گونه به ملت و نه شهروند. در دوره‌ای که سربازی مطرح شد این سوالات وجود داشت که دولت به چه مجوزی دو سال از عمر افراد را می‌گیرد و آن‌ها را وارد مسائل نظامی می‌کند. همان دوره هم این مسائل مطرح بود و مخالفانی داشت حتی بسیاری از علما آن را حرام می‌دانستند و اصلش هم مورد بحث بود. اگر حتی اصل سربازی را بپذیریم و مثلاً بگوییم ما به یک خدمت عمومی نیاز داریم، خیلی از سوالات اساسی مطرح می‌شود مثل اینکه چرا به شکل اجباری باشد؟ چرا نظامی باشد؟ چرا داوطلبانه نباشد؟ برای مثال اخیراً برای شرکت‌های استارت‌آپی معافیت نظامی سربازی تعریف کرده‌اند. سوالی که وجود دارد این است که چرا تنها برای این شرکت‌ها؟ ظاهراً نفوذی ایجاد شده و رابطه‌ای بین بخش خصوصی و نظامی به وجود آمده است.



پرسیدم در همین راستا بود. چندین هزار مقاله در حد پایان نامه دکتری در این نوع سربازی تولید می‌شود در حالی که این همه وقت و هزینه تا کنون خروجی خاصی نداشته است!

از لحاظ مالیه حقوق و مزایای سربازی نخبگان به چه صورت است؟

این موضوع نیز از مسائلی بود که خود افراد تصمیم می‌گرفتند که پرداخت به چه صورت باشد و اصلاً حقوق بگیرند یا خیر. خیلی از نخبگان این حقوق را نمی‌گیرند و وارد مناقشه نمی‌شوند چرا که ممکن است برایشان بد تمام شود. در حقیقت حق و حقوق تعریف شده‌ای وجود ندارد اگر بخواهند می‌توانند بدهند یا ندهند. رقمش هم قابل توجه نبود. به عنوان مثال برای بنده، قبلی از امسال که ۳۳ سالم بود و متاهل بودم و دو فرزند داشتم، مجموعاً ۹۰۰ هزار تومان در ماه بود.

و به عنوان کلام آخر؟

مسئله سربازی مسئله ساده‌ای نیست که بتوان تکنیکی آن را حل کرد و خیلی از راه حل‌ها تنها در کوتاه مدت و به صورت مقطعی برخی مسائل مربوط به سربازی را حل می‌کنند و در واقع همچون مسکن عمل می‌کنند. تا کنون هم کسی به طور تخصصی و حرفه‌ای درباره آن صحبت نکرده است، همچنین هیچ روایت و گزارشی هم از میزان خسارتی که سربازی به نسل ما وارد کرده است در دسترس نیست؛ البته از نظر من این خسارت بسیار زیاد است! حتی برخی از راه حل‌ها مانند سربازی نخبگان، مشکل را حل نکرده و اگر کسی از من بپرسد من سربازی عادی را به جای سربازی نخبگان به او پیشنهاد می‌دهم!

سربازی معمولی تحت هر شرایطی از مدت زمانیش کم می‌شود. در سربازی نخبگان تعریف پروژه و داوری‌ها عمدتاً یک سال طول می‌کشد. برای مثال یک نامه ممکن است ۶ ماه طول بکشد. حقوق اولیه دوم آن است که مقوله‌ای به اسم بازرسی در سربازی عادی وجود دارد و با آن که زیاد قابل توجه نیست اما به هر حال برخی موضوعات را می‌توان به آن ارجاع داد و مطرح کرد. برای مثال اگر سرباز مورد ضرب و شتم قرار گرفته باشد می‌تواند آن‌جا مطرح کند، ولی در سربازی نخبگان جایی برای احقاق حقوق و اعتراض وجود ندارد. مثلاً برای خود من ۱۵ ماه تنها برای یک نامه خیلی راحت از بین رفت. هیچ جایی نبود که بتوان آن را برگرداند. این که یک پروژه علمی چطور در فضای نظامی قابل تعریف است هم محل بحث است، کسی که نظامی است نگاه عملی به مسائل ندارد و جواب‌های از پیش آماده دارد و همان را می‌خواهد و این روش خود به خود فرد را به یک کارگر علمی تبدیل می‌کند. گاهی موضوع کاری و پژوهشی فرد چیز دیگری است در حالی که از او چیز متفاوتی می‌خواهند و حتی نتیجه هم از پیش تعیین شده است! در رشته‌های علوم انسانی فضا بسیار پیچیده‌تر و عجیب‌تر است. بارها این مسائل را به روش‌های مختلف با رئیس بنیاد نخبگان هم مطرح کرده‌ام و متأسفانه رسیدگی نشد.

چه کسانی فضا و موضوعات علمی و پژوهشی پروژه را تعریف می‌کنند؟

اگر شما را به صورت تصادفی معرفی کنند باید رفت و دید چه موضوعی تعریف می‌شود و اصلاً به این شکل نیست که با نخبه تعاملی ایجاد شود؛ به برداشت طرف بستگی دارد و خیلی هم شانس است! بودجه‌های زیادی هم به آن مراکز داده می‌شود و اتفاقاً یکی از سوالاتی که من از رئیس بنیاد نخبگان

شماره سیزدهم، شهریور ۱۴۰۰ هجری شمسی

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

منأسفانه شنیدم که عده‌ای از جوانان هم‌وطن در لباس سربازی جان خود را از دست داده‌اند، یک آن تمام وجودم لرزید و نگاهی به قدوبلای پسر بزرگم انداختم و گریستم... این چند بیت را وقتی چند سرباز مرزبانمان را به گروگان گرفته بودند نوشتم، من می‌دانم که حادثه خبر نمی‌کند، و می‌دانم که عمر دست خداست و می‌دانم که شاید هیچ‌کس در این حادثه قصوری نکرده باشد، این‌ها را می‌دانم و البته چیزهای دیگری هم می‌دانم...

از من برسان این دوسه خط محضر سلطان
سرباز اگر مُرد، فدای سر سلطان

خون دوسه سرباز اگر ریخت غمی نیست
لبِ پیر بُود تا به ابد ساغر سلطان

تا حشر، فروزان بُود آن تاج همایون
خاکی ننشیند به رخ گوهر سلطان

گَر دی به دل شاه نبینیم اگر چند
یک یک همگی کشته شود لشکر سلطان

"از خون جوانان وطن لاله دمیده"
دشتی ست پر از لاله و گل، کشور سلطان

حسین جنتی

مدیر مسئول: امیرحسین ذوالفقاری

سردبیر: اسما شهنازی

صفحه‌آرا: محمدحسن بیات

ویراستاران: محمدحسن بیات، حامد حاتمی، اسرا رضافدایی، اسما شهنازی

طراح جلد: پارسا ملکی اصل

همکاران این شماره: محمد عسگری‌راد، سیده سبا افقه، مهدی نظری، حسین سروش، حامد شیخیان، بردیا نبوی، سپهر استیری،

جواد جهانگیری، سید مهدی حسینی، بهنام نیکومرام، علی ضیغمی‌نژاد، محمد مهدی حسام

تشکر ویژه از دکتر ملائکه عزیز و تمام کسانی که ما را در تهیه و تدوین این شماره یاری نمودند.



@Daneshjoo_sut_bot



daneshjoo.anjomanislami@gmail.com